

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمدی بر بهداشت روان سالمندان از دیدگاه قرآن و حدیث





عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر بهداشت روان سالمندان از دیدگاه قرآن و حدیث/ نویسندگان هادی کاظمی... [او دیگران].
مشخصات نشر	: تهران: میرماه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۸۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۰۰۰-۹-۸۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نویسندگان هادی کاظمی، فاضل بهرامی، عباس رضائی فرانی، پیرحسین کولیوند، محبوبه دادفر.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۷۷] - ۷۹.
موضوع	: سالمندان -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: سالمندی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: سالمندان -- بهداشت روانی
شناسه افزوده	: کاظمی، هادی، ۱۳۳۹ -
رده بندی کنگره	: BP۲۳۲/۶۵/۵۴ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۳۸۸۲۸

درآمدی بر بهداشت روان سالمندان از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسندگان:

دکتر هادی کاظمی

رئیس مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفاء

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

دکتر عباس رمضان‌فرانی

روانشناس بالینی

دکتر فاضل بهرامی

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

محبوبه دادفر

دانشجوی دکترای روانشناسی بالینی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

بخش بین الملل

پیر حسین کولیوند

مدیر بیمارستان خاتم الانبیاء علیه السلام

و معاون مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفاء



میراث

۱۳۹۲ خورشیدی



بیمارستان فوق تخصصی
خاتم الانبیاء (ص)

درآمدی بر بهداشت روان سالمندان از دیدگاه قرآن و حدیث



مرکز
تحقیقات
علوم
شفا اعصاب

نویسندگان: دکتر هادی کاظمی، دکتر فاضل بهرامی، دکتر عباس رضانی فرانی، پیرحسین کولیوند، محبوبه دادفر
ناشر: میرماه (۲-۱-۲۲۷۲۲۹۰)
گرافیک جلد و متن: مهدیه ناظم زاده
صفحه آرایی: مهندس رسول نقی زاده
لیتوگرافی و چاپ: قائم چاپ جوربند
صحافی: عطف
نوبت و سال انتشار: نخست/ ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۸۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۳۳ - ۰۰۰ - ۹

تمام حقوق اثر برای مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفاء محفوظ است.

خیابان ولیعصر (ع) - خیابان رشید یاسمی - بیمارستان فوق تخصصی خاتم الانبیاء (ص)

تلفن: ۸۸۸۴۰۴۰

به نام خداوند بخشنده مهربان

امروزه شمار افراد سالمند بالای ۶۰ سال به سرعت رو به افزایش است و این تزايد در مقایسه با کل جمعیت دارای رشد چشمگیری است. سالمندی یکی از مراحل پر مخاطره زندگی از نظر فشارهای روانی می‌باشد. سالمندان افرادی آسیب پذیر هستند به این دلیل که هر روز شاهد حوادث و رویدادهایی هستند که می‌توانند تأثیرات نامطلوب و ناخوشایندی در زندگی آنها داشته باشند و آنها را دچار مشکلات روحی و روانی نمایند. بنابراین توجه به مذهب و معنویت برای مقابله سالمندان با شرایط این مرحله از رشد ضروری به نظر می‌رسد. در دهه‌های اخیر با اوج‌گیری پژوهش‌های حوزه روان شناسی دین، توجه به بهداشت روانی سالمندان با تأکید بر دین و مذهب فزونی یافته است.

یکی از مناسب ترین راه‌های پیشرفت روان شناسی و روانپزشکی در ایران، کمک گرفتن از توان عظیم فرهنگ اسلامی است. آموزه‌های اسلامی توصیه‌هایی در مورد بهداشت روانی ارائه نموده است که می‌توان آنها را برای پیش گیری و درمان مشکلات بهداشت روانی سالمندان مورد استفاده قرار داد. به کارگیری مقوله‌های مذهبی در جلسات روان درمانی و مشاوره با توجه به زمینه‌های فرهنگی و باورهای مذهبی می‌تواند تأثیر سریع‌تر، عمیق‌تر و پایدارتری در سالمندان مبتلا به مشکلات بهداشت روانی به دنبال داشته باشند.

سالمندان برای اینکه بتوانند تغییرات زندگی را بپذیرند، با آگاهی از اینکه زندگی در آینده نزدیک به پایان می‌رسد، معنای عمیق‌تر و کامل‌تری را در این تغییرات جستجو می‌کنند و مذهب، جستجو برای معنا را هدایت می‌کند. به عقیده یونگ (Young) (۱۹۳۳) اعتقادات

مذهبی می‌تواند موجب بالا بردن یکپارچگی و معنا دادن به شخصیت فرد شود. از نظر وی تمام افرادی که مبتلابه بیماری‌های روانی شده‌اند، فاقد آن معنا، استواری و انسجامی هستند که اعتقادات مذهبی قادر است به افراد بدهد. فعالیت‌های مذهبی رسمی و به ویژه غیررسمی در زندگی سالمندان امروزی همچنان چشمگیر است. پذیرش مذهب در بین سالمندان می‌تواند بیشتر هم بشود.

مذهبی بودن، معنویت و ایمان ممکن است در سالمندی به سطح عالی تری ارتقاء یابد به طوری که از نظر فولر (Fowler) (۱۹۸۱) سالمندان از نظر رشد ایمان در مرحله‌ی فردگرایانه - تأملی (دوره رشد بزرگسالی و مرحله‌ی عاطفی) (دوره رشد اواخر بزرگسالی) قرار دارند. یعنی در باره عقاید و ارزش‌های خود به گونه‌ی انتقادی تأمل می‌کنند و می‌پذیرند که دیدگاه آنها در مورد دنیا فقط یکی از چند دیدگاه احتمالی در این زمینه است؛ فعالانه ایدئولوژی شخصی ایجاد می‌کنند و با گذشت زمان به اصلاح آن می‌پردازند. آنها می‌پرسند: این مناسک و نمادهای مذهبی واقعا چه معنایی دارند؟ تعداد کمی از آنها به مرحله ایمان عاطفی می‌رسند و در این مرحله دیدگاه گسترده‌ای درباره کل بشریت تشکیل می‌دهند، دیگران را به خیر همگان ترغیب می‌کنند و در جهت تحقق بخشیدن به دیدگاه خود تلاش می‌کنند. ایمان و معنویت پخته، امکان پیش بینی مرگ با آرامش را فراهم می‌آورد و مذهبی بودن در بین سالمندان با پیامدهای مثبت زیادی از جمله بهداشت روانی ارتباط دارد. از سوی دیگر رفتارهای مذهبی بر روش‌های سازگاری با فرآیند سالمندی تأثیر می‌گذارد. دین اسلام با ارائه برنامه‌ها و دستورات لازم، تمهیدات لازم را برای ارتقاء بهداشت روانی فراهم نموده است. قرآن، احادیث و زندگی امامان (علیهم السلام) می‌توانند به عنوان الگوی مناسبی برای ارتقاء بهداشت روانی، مورد توجه روان‌شناسان بالینی و روان‌پزشکان قرار گیرند. کتاب حاضر در این راستا تدوین و نگاشته شده است.

نویسندگان

بهار ۱۳۹۲ شمسی

فهرست

۱۱	دیباچه.....
۱۳	فصل اول - کلیات.....
۱۳	تعاریف.....
۱۴	سالمند از نگاه اسلام.....
۱۹	فصل دوم - حقوق سالمند.....
۱۹	حقوق سالمندان.....
۲۰	حق سالمند بر آحاد جامعه.....
۲۲	حق والدین سالمند بر فرزندان.....
۲۶	حق سالمند بر حکومت.....
۲۹	فصل سوم - اخلاق و آداب سالمندی.....
۲۹	۱- اخلاق.....
۳۰	نقش عبادت در سلامت روان سالمند.....
۳۱	هشدار به سالمندان در جهت مراقبه نفس.....
۳۱	۲- آداب.....
۳۳	فصل چهارم - رفتار با سالمند.....
۳۳	رفتار با سالمند.....
۳۴	نحوه رفتار با سالمند.....
۳۴	۱- توقیر.....
۳۵	اهمیت توقیر پیران.....
۳۶	بحث.....
۳۷	۲- اجلال.....
۳۹	بحث.....
۴۰	۳- اکرام.....
۴۱	نحوه رفتار با والدین سالمند.....
۴۱	۱- بر.....
۵۰	۲- احسان.....
۵۱	اهمیت و جایگاه احسان.....

۵۷	شیوه‌های احسان و "پر"
۵۸	"پر" به والدین نشانه معرفت خداست.
۶۰	الف- رفتار معروف و مناسب با والدین.
۶۲	ب- گفتار کریمانه.
۶۲	ج- رفتار متواضعانه:
۶۳	د- صلۀ رحم
۶۶	ه- نفقه دادن
۶۸	و- دعا کردن
۶۹	۳- شکرگزاری
۷۱	بحث
۷۳	جمع بندی
۷۳	سالمند از نگاه عموم مردم
۷۵	سالمندی و وظیفه حاکمان
۷۶	سالمند از نگاه نقش والدینی
۷۷	منابع
۸۱	پیوست‌ها
۸۱	پیوست شماره یک
۸۲	پیوست شماره دو
۸۳	پیوست شماره سه

دیباچه

با توجه به رشد روز افزون افراد سالمند در جهان و ایران (صادقی ۱۳۷۸)، سیاری (۱۳۷۸)، زنجانی (۱۳۷۸) و شیوع اختلالات روانی به ویژه افسردگی در بین آنان (اینجروسل ۱۹۷۸، نقل از ابراهیمی ۱۳۷۶، نوابی نژاد ۱۳۷۸) و کمبود شدید متخصصین روانپزشکی سالمندی و خدمات ویژه آنان، لزوم توجه به منابع بیرونی و درونی سالمند برای مقابله با شرایط پیری احساس می‌شود. در ارتقاء سلامت روان سالمندان، مذهب و به ویژه مذهب درونی نقش مهمی را می‌تواند ایفا نماید (بهرامی و رضانی فرانی، ۱۳۸۳، کونیک ۲۰۰۱)؛ چرا که مذهب می‌تواند دارای ارزش مثبت در پر کردن فضای خالی زندگی و حمایت از سالمندی، مواجهه با استرس، سازگاری با موقعیت و معنادگی زندگی و مرگ باشد (کونیک، ۲۰۰۱، ابراهیمی و همکاران، ۱۳۷۶، بوالهروی و همکاران، ۱۳۸۰). از سویی اجلاس منطقه‌ای بهداشت روان سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۳۶۹ در قبرس پیشنهاد نموده است برای ارتقاء بهداشت روانی و پیشگیری از اختلالات روانی، از مذهب استفاده شده و کتابچه راهنما تهیه گردد. در پایان اجلاس، کشورهای اسلامی شرکت کننده نیز توافق کردند از آموزش‌های قرآن کریم برای کمک به تأمین بهداشت روانی مردم در کشورهای اسلامی استفاده نمایند (بوالهروی، نوری، رضانی فرانی، ۱۳۷۸).

با توجه به مطالب پیش گفته، اهتمام در جهت به کارگیری مضامین و باورهای مذهبی به منظور ارتقاء بهداشت روانی سالمندان امری ضروری به نظر می‌رسد و در میان تحقیقات و مطالعات مذهبی که موضوعات مرتبط با سالمندی را به صورت اختصاصی مورد کنکاش و تحقیق قرار داده باشد، کمتر به چشم می‌خورد یا اصلاً دیده نمی‌شود و به ویژه تاکنون کتاب آموزشی که به طور اختصاصی به سلامت روانی سالمند در قرآن و حدیث پرداخته باشد تدوین نشده است. لذا در این کتاب مضامین مرتبط با بهداشت روان

سالمنند در قرآن و حدیث شناسایی و با ساختاری آموزشی تدوین شده است تا در دسترس همگان و به خصوص مراکز سالمنندی، دانشجویان، مربیان و افراد مرتبط با امور سالمنندی و نیز علاقمندان به مطالعات و پژوهش‌های سالمنندی قرار گیرد.

هدف از تالیف این کتاب، آموزش سلامت روان سالمنند از طریق مذهب تحت عنوان «درآمدی بر بهداشت روان سالمنندان از دیدگاه قرآن و حدیث» است. در این راستا قرآن کریم و تفاسیر آن با استفاده از نرم افزارهای قرآنی نور الانوار و مائده و نیز کتب حدیثی با استفاده از نرم افزار حدیثی نور و که مشتمل بر ۴۴۲ جلد کتاب روایتی است، با استفاده از روش تحلیل محتوا و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

اطلاعات بدست آمده جمع آوری و پس از تقسیم بندی موضوعی، چهارچوب ذیل برای کتاب تنظیم گردید: فصل اول مشتمل بر کلیات (تعاریف و سالمنند از نگاه اسلام، معرفی سالمنند و جایگاه و اهمیت سالمنند)، فصل دوم شامل حقوق سالمنند، حق والدین سالمنند بر فرزندان، حق والدین و حق سالمنند بر حکومت، فصل سوم مشتمل بر اخلاق و آداب سالمنندی و فصل چهارم نیز در برگیرنده مباحث رفتار با سالمنند، رفتار با والدین سالمنند، برّ و احسان و شیوه‌های آن‌ها، رفتار معروف و مناسب با والدین، گفتار کریمانه، رفتار متواضعانه، صلّه رحم، نفقه، دعا و شکرگزاری می‌باشد. در بخش پایانی نیز به جمع بندی مباحث کتاب پرداخته شده است.

فصل اول

کلیات

تعاریف*

- در بررسی موضوع سالمند در قرآن و حدیث واژه‌های گوناگونی به چشم می‌خورد که در اینجا به معرفی آنها می‌پردازیم:
- ۱- **هَرَم**: هَرَم در لغت به معنای کسی است که سخت پیر و کلانسال گردیده است، به عبارت دیگر کسی است که به نهایت ضعف و پیری رسیده است.
 - ۲- **شَیْب**: از نظر لغوی به معنای موی، موی سپید و سفید شدن موی است؛ برای اشاره به سن پیری در متون اسلامی این کلمه به کار رفته است.

* تعاریف این بخش بیشتر از لغتنامه دهخدا استخراج شده است.

۳- **شیخ:** از نظر لغوی به کسی اطلاق می‌شود که سالمندی و پیری بر وی ظاهر گردیده است. یا ممکن است به فرد از سن چهل، پنجاه، یا پنجاه و یک تا پایان عمر یا تا سن هشتاد سالگی اطلاق گردد. نیز می‌توان گفت کلمه شیخ برای هر فرد به طور اعم و یا پیرمردان به طور اخص به کار می‌رود. همچنین در اصطلاح این واژه برای کسانی که تجربه بسیاری به خصوص در علم و عرفان دارند اطلاق می‌شود. در متون اسلامی واژه شیخه برای معرفی زن پیر به کار رفته است.

۴- **کُهل:** ریشه آن کهل است، به افراد میان سال اطلاق می‌شود، میانسالی که موهایش سپید و سیاه است و در لغت به کسی که از سی و چهار سال گذشته تا سن پنجاه سالگی کهل گویند، در بررسی متون اسلامی کهل به سنین پختگی افراد اشعار دارد. آنچه در عرف و افواه شنیده می‌شود که به افراد مسن، گفته می‌شود «به کهل رسیده است» بر خلاف معانی لغوی و تعریف اصطلاحی آن می‌باشد.

۵- **کبیر:** کبیر در لغت به معنای بزرگ و کلان است، به افراد بالغ نیز کبیر اطلاق می‌شود که در مقابل آن صغیر، به معنای فردی که به سن بلوغ نرسیده به کار می‌رود. همانطور که در تعاریف مشاهده می‌شود به ترتیب هرم، شیب، و شیخ بیانگر معنای سالمندی است و کهل و کُهل بر خلاف تعاریف رایج در عرف جامعه کمتر در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ ضمناً در قرآن و حدیث با توجه معنای اصطلاحی واژه کبیر، این کلمه گاهی به جای کلمه هرم، شیب و شیخ مورد استفاده قرار گرفته است.

سالمند از نگاه اسلام

در این بخش ابتدا به معرفی سالمند از نگاه اسلام و سپس به جایگاه و اهمیت آن

اشاره خواهد شد.

الف: معرفی سالمند

در قرآن رسیدن به سن پیری توأم با ضعف و ناتوانی توصیف شده است، همانگونه که ابتدای پیدایش انسان در سن طفولیت و نوزادی در ضعف و ناتوانی بوده است، بعد از توانمند شدن دوباره به سوی رکود قوای جسمانی باز می‌گردد.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ. (روم/۵۴).

«خداوند، آفریدگاری است که شما را در مرحله آغاز در ناتوانی و ضعف آفرید، پس از مرحله ناتوانی به مرحله نیرومندی رساند، و پس از توانائی (دوباره) به ضعف، و پیری گرفتار آید، آفریدگار آن چه بخواهد می‌آفریند البته و او بسیار دانا و توانا است.»

بحث

آیه فوق انسان رادارای دوره تحوُّلی می‌داند که از ناتوانی شروع و به توانمندی منتهی می‌گردد و پس از مدتی توانمندی دوباره به ضعف و ناتوانی کشیده خواهد شد. به عبارت دیگر قرآن یک واقعیتهای از دوره زندگی آدمی را به وی یادآوری می‌نماید. با چنین یادآوری، قرآن این پیش‌آگهی را به آدمی می‌دهد تا ضمن آنکه وی را برای چنین مقطعی آماده می‌نماید، او را وادار سازد که از دوره توانمندی استفاده بهتری بنماید. ضمن آنکه یک فرد سالمند ضعف‌ها و سستی‌های مربوط به این سنین را به عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر، قبول کند و خود را با آن‌ها سازگار نماید. همچنین از این آیه می‌توان استنباط نمود که پیری وضعی است همچون ضعف یک کودک، یعنی همانطور که یک کودک نیازمند حمایت، توجه و کمک در ابعاد عاطفی، اقتصادی، روانی، اجتماعی و... است سالمند نیز نیازمند چنین توجهی است، توجه‌ای همراه با تکریم، توقیر و اجلال که بعداً به آنها اشاره خواهد شد.

ب- جایگاه و اهمیت سالمند

در منابع اسلامی به جایگاه سالمند و اهمیت او توجه‌ای ویژه شده به گونه‌ای که از پیری به عنوان نور خداوند و برکت خانواده یاد شده است.

در روایاتی موی سپید سالمند به نور خداوند تشبیه شده است از جمله:

قال رسول الله (ص) عن الله جَلَّ جَلَالُهُ: الشَّيْبَةُ نُورِي فَلَا أُحْرِقُ نُورِي بِنَارِي. (بحار الانوار ج ۷، ص ۳۹۰) رسول خدا (ص) فرمود: خداوند می‌فرماید: موی سپید (سالمند) نور من است. پس هیچگاه نور خود را با آتش نمی‌سوزانم.

در روایاتی دیگر وجود سالمند برای جامعه مایه برکت و در بر دارنده آثاری مثبت و معنوی دانسته شده از جمله:

قال رسول الله (ص) البركةُ معَ اكا برکم. (بحار ج ۷۵، ص ۱۳۷)
رسول خدا (ص) فرمود: برکت با بزرگ‌ها و سالمندان شماست.

بحث

در نگاهی اولیه به روایات، پیامی برای سالمندان و پیامی دیگر برای اطرافیان استنباط می‌شود.

الف- روایات، موی سپید پیر را نور الهی دانسته و به آنان مژده داده شده که نور خداوند در وجود آنان باعث می‌شود که از عذاب الهی دور باشند.

سالمندان موجب نزول برکت به اهل خانواده اند، در خانواده‌ای که پیر زندگی می‌کند فقر از بین می‌رود، روحیه نشاط و خود شکوفائی در سالمند و اطرافیان پدید می‌آید. با این دیدگاه سالمند هیچگاه خود را سربار و مزاحم خانواده و عنصری غیر مولد نمی‌داند، بلکه همواره روحیه نشاط و امیدواری را به اعضای خانواده تزریق می‌کند.

ب- پیامی که اطرافیان را متوجه خود می‌سازد این که خداوند موی سپید سالمند را نور خود دانسته، هر چند در دوران پیری خطائی از او سرزده اما به خاطر جایگاه بلند و والای او مورد بخشش خداوند است، آیا اطرافیان به خاطر یک خطا سالمند را سرزنش می‌کنند و احیاناً در صدد کینه ورزی با او می‌باشند یا آنکه به خاطر جایگاه والای او در نزد خداوند، خطای وی را نادیده می‌گیرند؟

پیامبر اکرم (ص)، وجود سالمند در خانواده را برکت می‌داند، بدیهی است در ازای

هر برکت الهی، شکر نعمت ضرورت دارد.

فصل دوم

حقوق سالمندان

حقوق سالمندان

حق: در لغت حق به معنای سزاوار شدن، آنچه ادای آن واجب است و بهره‌ی معین کسی، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳). در اصطلاح فقهی حق نوعی سلطنت است. در تعریفی می‌خوانیم "حق قدرتی است که قانون به شخص عطا کرده یا نفعی است که مورد حمایت قانونی است." در این معنا حق به معنای حق داشتن است یعنی انسان به خاطر انسان بودن حق دارد کاری را انجام دهد یا انجام ندهد یا حقی را مطالبه کند یا از مطالبه‌ی آن صرف‌نظر نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۴). در فقه اسلامی حق به معانی دیگری نیز آمده است؛ در اینجا منظور از حق معنایی است که در عبارت بالا به طور مختصر به آن اشاره شد. به نظر می‌رسد در منابع اسلامی حقوق سالمندی در سه قلمرو مورد توجه قرار گرفته است: جامعه، خانواده و حاکمیت. در این فصل به طور مختصر به هر کدام می‌پردازیم.

حق سالمند بر آحاد جامعه

از امام صادق (ع) در اهمیت رعایت حق سالمند روایت شده است: *ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ بِالتَّفَاقِ ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَ حَامِلُ الْقُرْآنِ وَ الْإِمَامُ الْعَادِلُ*. (اصول کافی ج ۲ ص ۶۵۸). سه گروهند که حقوقشان مورد انکار قرار نمی‌گیرد مگر از جانب منافقی که به نفاق شهرت دارد: کسی که موی خود را در اسلام سپید کرده، حامل قرآن و امام عدالت پیشه.

در بررسی منابع اسلامی این نکته مسلم و روشن است که هر فرد، به صرف ورود در سنین سالمندی از حقوقی خاص برخوردار می‌گردد و بر هر مسلمان در جامعه‌ی اسلامی تکلیف است نسبت به ادای آن حقوق پایبند باشد و همچنین پدر و مادر علاوه بر حقوق خاص خود - که به خاطر پدر یا مادر بودن ذیحق شده‌اند - در دوران کهنسالی، نیز از حقوقی ویژه برخوردار می‌گردند.

قرآن برای زنان سالمند نوعی تخفیف در نحوه پوشش (حجاب) قائل شده است: *وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ*. (۶۰/نور)

و بر زنان از کار افتاده‌ای که دیگر امید زناشوئی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند (به شرط آن که) زینتی را آشکار نسازند و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خدا شنوای داناست.

ملاحظه می‌شود که از نظر حقوق اسلامی، حق آسایش زنان سالمند با دور ساختن آنان از تکلف و رنج احتمالی در نظر گرفته شده است.

۲- همچنین در نقل قول فرزندان یعقوب (ع) در قرآن آمده است:

قالوا يا ايها العزيز ان له ابا شيخا كبيرا فخذ احدنا مكانه انا نراك من المحسنين
(يوسف/۷۸).

گفتند ای عزیز، او پدری سالخورده دارد، بنابراین یکی از ما را جای او بگیر که ما تو
را از نیکوکاران می‌بینیم.

از نقل این گفتار معروف و خیر خواهانه که حال پدری پیر از نظر عاطفی، ملاحظه
شده استنباط می‌شود که ملاحظات عاطفی و خدشه دار نمودن احساسات پیران از نظر
قرآن از جمله حقوق سالمندی محسوب می‌گردد.

در رساله موسوم به رساله حقوق امام سجاد (ع) در زمینه حق سالمند می‌فرمایند: حق
الكبير توقيره لسنه و اجلاله لتقدمه في الاسلام قبلك و ترك مقابله عند الخصام و لا تسبقه
الى طريق و لا تتقدمه و لا تستجهله و ان جهل عليك احتملت و اكرمته لبحق الاسلام و
حرمته. (تحف العقول- ابن شعبه الحراني ۱۳۸۲).

حق سالمند آن است که به خاطر مسن بودنش با طمأنینه، آرام و آهسته با او رفتار
نمایی و نیز شأن و منزلت او را بالا ببری، و چون پیش از تو در اسلام وارد شده بود او را
اجلال نموده و بزرگ قدر شماری، در هنگام بگو مگو و مخاصمه او با تو، کوتاه بیایی و
در هنگام راه رفتن از او پیشی نگیری و به او نسبت نادانی ندهی و اگر با تو به جهالت رفتار
کرد نادانی‌های او را اغماض کنی، و نیز از جمله حق او بر تو آن است که او را ارجمند
داشته، آبروی او را حفظ نمایی و اینها علاوه بر حق سالمندی به خاطر حق اسلام و حرمت
اسلام است که بر عهده هر کسی تکلیف می‌گذارد.

از آیات و احادیث ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱- بر سالمند به دلیل مسن بودن و سال دار شدن ضعف‌های جسمی عارض می‌شود؛ پیر
سالی در حرکت کردن، سخن گفتن، فعالیت نمودن و پوشش وی و... تاثیر گذاشته و آنها
را کند می‌کند. لذا به دلیل این ویژگی‌ها، سالمند دارای حقوقی است که باید رعایت

شود. نحوه ادای این حق با طمأنینه و آرام رفتار کردن با او و برداشتن سختی‌ها از دوش او و اغماض و چشم پوشی از خطاهای اوست.

۲- حق دیگر سالمند، حق او به دلیل پیشگام بودن او در فعالیت‌های مختلف زندگی است، لذا به دلیل پیشگام بودن به ویژه در دینداری، لازم است حقی مجزا برای سالمند قایل شد و او را بزرگ داشت.

۳- سالمند مسلمان به خاطر این که قبل از دیگران موحد بوده، پیشتر از دیگران حرمت پیدا می‌کند. بنابراین آحاد افراد در جامعه باید نسبت به انجام موارد بالا پای بند باشند.

حق پدر و مادر سالمند بر فرزندان

چنانکه گفته شد علاوه بر حقی که والدین در دوران قبل از سالمندی بر فرزندان دارند؛ در دوران سالمندی حقوقی مضاعف و تکالیفی سنگین تر نسبت به آنان بر عهده فرزندان قرار خواهد گرفت.

در قرآن می‌خوانیم: وَ قَضَىٰ رَبِّيكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا، إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/۲۳).

پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی «اف» مگو و به آنان پرخاش مکن و به آنان سخنی شایسته بگو.

- از جمله حقوق والدین سالمند بر فرزندان در روایات اسلامی، نگهداری آنان در نزد خود، برآوردن نیازمندیها و ابراز عواطف نسبت به آنان است.

از جمله روایات در این زمینه روایتی است که در مستدرک الوسائل (ج ۱۵ ص ۲۰۲)

نقل شده است: ... قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) إِنَّ وَالِدَتِي بَلَغَهَا الْكِبَرَ وَ هِيَ عِنْدِي الْآنَ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَ اطْعِمُهَا مِنْ كَسْبِي وَ أُمِيطَ عَنْهَا الْأَذَى بِيَدِي وَ أَصْرَفَ عَنْهَا مَعَ ذَلِكَ وَجْهِي اسْتِحْيَاءً مِنْهَا وَ اعْظَمًا لَهَا فَهَلْ كَافَاتُهَا قَالَ لَا، لَأَنَّ بَطْنَهَا كَانَ لَكَ وَ عَاءٌ وَ ثَدْيُهَا كَانَ لَكَ سَقَاءٌ وَ قَدَمُهَا لَكَ حِذَاءً وَ يَدَاهَا لَكَ وَ قَاءٌ وَ حِجْرُهَا لَكَ حَوَاءٌ وَ كَانَتْ تَصْنَعُ ذَلِكَ لَكَ وَ هِيَ تَمْنَى حَيَاتِكَ وَ أَنْتَ تَصْنَعُ هَذَا بِهَا وَ تُحِبُّ مَمَاتَهَا.

مردی به رسول خدا (ص) گفت: مادرم به سن پیری رسیده و هم اکنون نزد من است. او را بر پشت خود قرار داده جا به جا می‌کنم، از در آمد خود او را غذا می‌دهم، با دست خود سر و صورت او را از آلودگی پاک می‌کنم با این حال خجالت می‌کشم به چشم او نگاه کنم به خاطر اینکه در نزدم دارای عظمت و بزرگی است، ای رسول خدا آیا حق او را ادا کرده‌ام؟ حضرت پاسخ داد، نه! چرا که رَحِمَ او ظرف نگهداری تو بود، پستانش سیراب کننده تو، قدم او راهنمای تو و دستش محافظ تو و دامن او نگاهدار تو، با این همه رنج، آرزو داشت که مبادا به حیات و زندگی تو خدشه‌ای وارد شود، ولی تو با این زحماتی که می‌کشی باز در دل آرزو داری که مادر پیرت زودتر بمیرد.

در احادیث و روایات به حقوق والدین و اهمیت آن اشاره شده است؛ از آنجا که این حقوق مربوط به همه دوران زندگی و حیات والدین، از جمله در دوران سالمندی می‌باشد، در اینجا به نمونه هائی از این روایات اشاره می‌شود:

... قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَا حَقُّ الْوَالِدِ قَالَ أَنْ تُطِيعَهُ مَا عَاشَ فَقِيلَ مَا حَقُّ الْوَالِدِ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَوْ أَنَّهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ قَطْرُ الْمَطَرِ أَيَّامَ الدُّنْيَا مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلْتَهُ فِي بَطْنِهَا. (مستدرک ج ۱۵ ص ۲۰۳)

از پیامبر (ص) درباره حق پدر سوال شد. جواب فرمود: مادامی که زنده است از او

فرمان بری. اما حق مادر به هیچ وجه (قابل توصیف نیست) اگر همه ی ریگ‌های بیابان‌ها و همه ی قطرات باران در ایام دنیا یک جا جمع شوند قادر نیستند میزان زحمت یکروزه‌ای که تو را حامله بوده است باز شمارند.

در (وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۷۵) از امام سجاد(ع) روایت شده :

"حق مادر تو این است که بدانی او تو را در دوران بارداری با خود حمل می‌کرد. کاری که هیچکس در حق دیگری انجام نمی‌دهد؛ او از ثمره قلبش به تو بخشوده است بخشی که هیچکس در حق دیگری نمی‌کند؛ او تو را با همه اعضا و جوارح از خطرات محفوظ داشته، دریغ نداشت که خود گرسنه بماند ولی تو را غذا دهد، خود تشنه بماند ولی تو را سیراب سازد، خود از پوشاک محروم بماند ولی تو را بپوشاند؛ خود را در آفتاب قرار دهد تا تو در سایه باشی، از خواب محروم شود تا تو در بستر خواب آرام گیری و او تو را از سرما و گرما محفوظ داشته است. تو نمی‌توانی از مادرت به طور شایسته‌ای سپاسگزاری نمایی مگر به کمک الهی و توفیق او. اما حق پدرت آن است که بدانی او اصل و ریشه توست هرگاه در خود نوعی شایستگی دیدی که موجب اعجاب، تحسین و خود پسندی تو شد، متوجه باش که پدر تو سرچشمه جریان آن نعمت بر تو است، پس در مقابل شکر و سپاس خداوند به جا آور. "(پیوست ش ۱)

همچنین در کتاب فقه‌الرضا (ع) (ص ۳۳۴) در باب "حق الوالد علی ولده" می‌خوانیم:

بر تو باد که مطیع پدر باشی و به او نیکی کنی، و در مقابل او متواضع و خاضع باشی و او را بزرگ شماری- و اکرام نمائی- در حضور او آهسته سخن گوئی. پدر اصل و اساس فرزند است و فرزند فرع و شاخه ی پدر؛ اگر پدر نبود خداوند وجود فرزند را تقدیر نمی‌نمود؛ اموال، مقام، و حتی جان خود را نثارش ساز.

در روایت خطاب به فرزند آمده است: تو و دارائی تو از آن پدرت می‌باشد. از پدر در دنیا با برّ و نیکی تبعیت کنید و پس از مرگ با دعای برای او و طلب رحمت برایش به بهترین نوع متابعت کنید. در روایت آمده است کسی که در دوران حیات پدر به او نیکی کند ولی بعد از مرگ برای آمرزش او دعا نکند، خداوند او را در زمره‌ی نفرین‌شدگان قرار دهد... اما مادر لازم‌ترین و واجب‌ترین حقوق را بر گردن تو دارد چرا که او تو را در دوران بارداری با خود حمل می‌کرد، و این کاری است که از دست هیچکس جز مادر ساخته نیست. تو را با گوش و چشم بلکه همه جوارح و اعضا حفظ نموده و در دل نیز از رفتار خود راضی و شادمان بوده، ناملایمات را به خاطر تو تحمل نموده است، در نگهداری تو بردباری کرده، بیرون از توان هر کس، راضی شده که خود گرسنه بماند اما فرزند او سیر باشد، خود تشنه باشد اما فرزند او سیراب گردد، خود نپوشد اما فرزندش بپوشد، فرزندش را در سایه نگه دارد هر چند خود در آفتاب بماند، پس سپاسگزاری از او و نیکی و مدارای با او باید به اندازه همه‌ی آن زحمات باشد، هر چند شما نخواهید توانست کمترین حق او را ادا نمائید، مگر آنکه از خدای یاری طلبید، آری خداوند حق خود را با حق والدین قرین ساخته، آنجا که فرمود: «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا ذِكُّ الْإِلَهِ الْمَصِيرِ» شکرگزار من و شکرگزار پدر و مادر خود باشید... (پیوست ش ۲).

در روایت دیگری می‌خوانیم ... عن الصادق (ع) عن ابائه ع عن النبي (ص) فی وصیته لعلی (ع) قال حق الوالد علی ولده أن لا یسمیه باسمه و لا یمشی بئین یدیه و لا یجلس أمامه و لا یدخل معه الحمام.

پیامبر(ص) در سفارشی به امام علی(ع) فرمود:

حق پدر بر گردن فرزند آن است که او را به اسم صدا نزنند، جلو تر از او راه نرود،

جلوی او نشیند، به احترام او، با او وارد حمام نشود (به احترام او خود را در حضور او برهنه ننماید).

بحث حق والدین:

از آیات و روایات ذکر شده در بالا می‌توان چنین استنباط نمود:

حق والدین مسلمان مومن همچون حق خداوند است. بنابراین کسی که حق والدین را بجای آورد حق خداوند را ادا نموده است.

والدین دارای حقوقی هستند که به صرف پدر و مادر بودن برای آنها جاری می‌شود و لذا در برابر این حقوق انجام تکالیفی از طرف فرزندان لازم است، شاید یکی از دلایل مهم این حقوق برای والدین، جایگاه تعلیم و تربیتی آنان است.

یکی از حقوق ذکر شده در قرآن حق شکر است، که خداوند شکرگزاری از والدین را همراه شکرگزاری از خود آورده است.

از جمله حقوق ذکر شده والدین، حق خاص مادر است که به دلیل بارداری و شیر دادن برای او پدید می‌آید.

در مورد ادای حق سالمندی و حق والدین و شیوه‌های ادای آن، در فصل چهارم یعنی رفتار با سالمند، آیات و احادیثی ارائه و توضیح داده می‌شود.

حق سالمند بر حکومت

در روایات اسلامی برای همه سالمندانی که در حوزه حکومت قرار دارند، حقوقی بر عهده حاکم گذارده شده است؛ در روایتی از امام علی (ع) می‌خوانیم:

... محمد بن ابی حمزه عن رجل بلغ به امیر المومنین (ع) قال مرَّ شیخٌ مکفوفٌ کبیرٌ

يَسْأَلُ فَقَالَ اميرالمومنين (ع) ما هذا فقالوا يا امير المومنين هو نصراني فقال اميرالمومنين (ع) اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّىٰ اِذَا كَبُرَ وَّعَجَزَ مَبْعُثُمُوهُ اَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ (التهديب ج ۶ ص ۲۹۲).

پیری نابینا و مسن به تکدی مشغول بود؛ حضرت با ناراحتی پرسید این کار چیست؟ گفتند ای امیر مومنان او نصرانی است. امام علی (ع) با ناراحتی فرمود او را در دوران جوانی به کار و داشتید تا پیر و از کار افتاده شد، حال او را از حقش محروم ساخته اید؟ برایش از بیت المال مستمری در نظر بگیرید.

بحث

از حدیث مذکور چنین استنباط می‌شود که حکومت در برابر سالمندان وظایف خاصی دارد و این وظیفه نه از باب ترحم بلکه در ازای آن است که سالمند در دوره جوانی خدماتی را به جامعه عرضه داشته؛ بنابراین در پیری که دوران افول نیروی آدمی است باید به او بازگردانده شود، و این از جمله حقوق مسلم و شناخته شده ی سالمندان است که حاکمیت در جامعه اسلامی بدون در نظر آوردن مذهب و گرایش‌های فکری سالمند باید بدان پایبند باشد.

فصل سوم

اخلاق و آداب سالمندی

۱- اخلاق

توصیه و دستوراتی که در آیات قرآن و روایات اسلامی جهت تکریم و بزرگداشت سالمندان آمده است ما را متوجه امتیازات فراوان و گسترده آنان می‌نماید و البته به همان نسبت مسئولیت سالمندان نیز سنگین است؛ ممکن است خطائی از جوان سرزند که قابل جبران و گذشت باشد اما همان خطا از سالمندان توجیه پذیر نباشد.

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا يَرْجَى خَيْرَهُ ابَدًا، مَنْ لَمْ يَخْشِ اللَّهَ فِي الْغَيْبِ وَ لَمْ يَرْعِ فِي

الشَّيْبِ وَ لَمْ يَسْتَحْ مِنَ الْعَيْبِ (وسائل ج ۶۱ ص ۱۰۲)

چنانچه فردی این سه ویژگی را نداشته باشد؛ به خیر او امیدی نیست: کسی که در نهان حضور خداوند را در نظر نیاورد، در پیری مراقب رفتار خود نبوده و از عیب خود حیا نکند.

در روایت دیگری امام علی(ع) می فرماید: اخذرو الدنيا، فان في حلالها حساب و في حرامها عقاب، اولها عناء و آخرها فناء من صح فيها هرم و من مرض فيها ندم و من استغنى فيها فتن و من افتقر فيها حزن (بحارج ۷۵ ص ۱۹)

امام علی(ع) فرمود: فریفته دنیا نشوید، درحلال آن محاسبه است و در حرام آن مجازات، اول آن رنج است و آخر آن نیستی، کسی که در آن بیمار نباشد، بالاخره رنج پیری او را فرا می گیرد. کسی که بیمار شود، پشیمان است. کسی که ثروتمند است آزمایش می شود و کسی که تهیدست است محزون.

نقش عبادت در سلامت روان سالمند

چنان که قرآن کریم آرامش پایدار را در گرو یاد خدا و پرستش او می داند، عبادت سالمند در تنهایی‌ها بهترین همراه اوست، عبادت سالمند به حدی ارزشمند است که سبب می شود خداوند از سایر لغزش‌های او در گذرد:

عن ابا عبدالله (ع) قال یوتی بشیخ یوم القیامة فیدفع الیه کتابه ممّا ینالی الناس لایری الا مساوی فیطول ذلک علیه فیقول یا رب انا امرت بی الی النار فیقول الجبار جل جلاله یا شیخ انی استحیی ان اعدبک و قد کنت تصلی لی فی دارالدنیا اذهبوا بعبدی الی الجنة (بحارج ۷ ص ۸۹)

از امام جعفر صادق(ع) نقل شده است که فرمود: روز رستاخیز پیری حاضر می شود،

کتاب اعمالش به او عرضه می‌شود و محتوایی آن جز بدی چیزی نیست و بر او سخت می‌آید. خطاب به پروردگار عرضه می‌دارد خداوندا آیا من به دوزخ می‌روم؟ خداوند جل جلاله می‌فرماید: ای پیر، من شرم دارم تو را عذاب کنم، چرا که در دار دنیا مرا عبادت می‌کردی؛ بنده‌ام رابه سوی بهشت رهنمون شوید.

هشدار به سالمندان در جهت مراقبه نفس

قال النبی (ص): ابناء الاربعین! زرعٌ قد دنا حِصَادُهُ، ابناء الخمسین! ماذا قَدِمْتُمْ و ماذا اَخْرَجْتُمْ ابناء الستین! هَلُمُّوا الی الحساب، لا عُذْرَ لَکُمْ ابناء السبعین! عُدُّوا انْفُسَکُمْ من الموتی (بخارج ۷ ص ۸۹)

پیامبر فرمود: ای چهل ساله‌ها همانند محصولی می‌مانید که درو کردنش نزدیک شده! ای پنجاه ساله‌ها برای فردایتان چه آماده خواهید کرد؟ ای شصت ساله‌ها! برای محاسبه رستخیز آماده شوید. ای هفتاد ساله‌ها هیچ عذری ندارید، خود را در زمره مردگان قرار دهید. (پس اعمال نیک انجام دهید و از رفتار خلاف شأن سالمندی برحذر باشید).
از احادیث و روایات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که سالمندان بایستی مراقب رفتار خود باشند و نسبت به بر طرف کردن عیوب خود کوشا باشند.

۲- آداب

منابع اسلامی با توصیه‌هایی کاربردی، ظاهر سالمند را نیز آراسته می‌سازد. رعایت این توصیه‌ها، وقار سالمند را محفوظ و بزرگی او را در نزد دیگران تثبیت می‌کند. از جمله این سفارشات آن است که در پوشش، نحوه راه رفتن، نشست و برخاست و... سالمند رعایت شئون سالمندی را نموده و خود را شبیه جوانان نسازد.

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: کان رسول الله (ص) یزجر الرجل ان یتشبّه بالنساء و ینهی المرأة ان تشبّه بالرجال فی لباسها و عنه (ع) قال: خیر شبابکم من تشبّه بکھولکم و شرّ کھولکم من تشبّه بشبابکم (وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۶). از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا مرد را از اینکه شبیه زنان لباس پوشد و زن را از اینکه شبیه مردان لباس پوشد منع می‌کرد و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: بهترین جوانان کسانی هستند که خود را شبیه پیران قرار دهند و بدترین پیران کسانی‌اند که خود را شبیه جوانان قرار دهند.

قال رسول الله (ص): الشیب نورٌ فلا تتنفوه؛ همچنین از رسول خدا (ص) روایت است که فرمود: موی سپید نوری است آن را نکنید. (من لا یحضر، ج ۱، ص ۱۳۱)
کان علی (ع) لا یری بجزّ الشیب باساً و یکره تنفّه (امام علی (ع))
نیز امام علی (ع) چیدن مو [ی سپید] را مجاز و کندن آن را ناپسند می‌داشت. (همان، ج ۱، ص ۳۱۹).

حفص الاعور، قال: سألت ابا عبداله (ع) عن خضاب اللحية و الرأس أمن السنة؟ فقال نعم.
حفص اعور می‌گوید: از امام صادق (ع) سوال کردم آیا رنگ کردن محاسن و موی سر مستحب است و جزو سنت اسلامی محسوب می‌شود؟ فرمود بلی (بحار ج ۴۱ ص ۶۵).

بحث

از احادیث و روایات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت:
سالمندان در پوشش مثل جوانان نپوشند.
پسندیده و مستحب است سالمند موی خود را رنگ نماید.

فصل چهارم

رفتار با سالمند

رفتار با سالمند

در قرآن و حدیث توصیه‌هایی در مورد رفتار با سالمندان ارائه شده است تا مسلمانان بر اساس آنها رفتار خود را تنظیم نمایند. این توصیه‌ها نقش راهبردی داشته و جهت‌گیری کلی رفتار را نشان می‌دهند. بنابراین روش‌ها و فنون برخورد با سالمند نیز بایستی بر اساس این جهت‌گیری‌ها طراحی و به کار گرفته شوند. راهبردهای مطرح شده در رفتار با سالمند بر اساس حقوق وی در سه قلمرو خانواده، اجتماع، و حکومت است که پیشتر در بخش حقوق مورد اشاره قرار گرفت. در قرآن و حدیث، رفتار پسندیده با سالمند به طور کلی و رفتار پسندیده با والدین سالمند به طور اختصاصی مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر در منابع اسلامی تأکید شده است که عموم مردم با سالمندان به نرمی رفتار نمایند و از

طرفی خطاب به فرزند در مورد حق والدین و نحوه رفتار با آنها به ویژه در هنگام پیری دستوراتی مهم صادر شده است.

در این فصل ابتدا نحوه رفتار با سالمند و سپس رفتار با والدین سالمند را با تکیه بر آیات و روایات بررسی خواهیم نمود:

نحوه رفتار با سالمند

در قرآن و احادیث در نحوه رفتار با سالمند، سه راهبرد اساسی مطرح شده است که شامل توقیر، اجلال و تکریم است. این راهبردها در عین آن که مفاهیمی نزدیک به هم می‌باشند، دارای تفاوت‌های معنی داری نیز هستند؛ به همین سبب به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- توقیر

توقیر یکی از راهبردهایی است که در احادیث برای ارائه نحوه رفتار با سالمند مورد استفاده قرار گرفته و از ریشه وقر می‌باشد. وقر در لغت به معنی با وقار بودن، سنگینی، گرانی، گران گردیدن گوش، سنگین گردیدن و... آهستگی بردباری، آرامیدگی، آهستگی در رفتار و... است. (دهخدا، ۱۳۷۳)

با توجه به معنای لغوی «توقیر» وقتی گفته می‌شود سالمند را توقیر نمایند یعنی با طمأنینه، آهستگی، سنگینی و با حوصله با او رفتار نموده، از شتاب زدگی، تندی و اضطراب در رفتار با او پرهیز نمایند. در این صورت رفتار احترام آمیز و بزرگ شماری سالمند شکل می‌گیرد.

اهمیت توقیر پیران

عن الحسن بن علی (ع) انه قال، قال له ابوه عند وفاته وارحم من اهلك الصغیر وقر منهم الكبير. (مستدرک ج ۱۵ ص ۳۹۴).

از امام حسن (ع) روایت شده است که فرمود: پدرم در نزدیک وفاتش به من فرمود به کودکان ترحم نما و بزرگسالان را توقیر.

همچنین در روایاتی دیگر می‌خوانیم:

وَكَتَبَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع) إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ وَحَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لَمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْقِيرِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالتَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَكُفْرَانَ النِّعْمَةِ وَإِبْطَالَ الشُّكْرِ وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قَلْبِهِ النَّسْلِ وَانْقِطَاعِهِ لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قَلْبِهِ تَوْقِيرِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ فِي الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَالِدِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِغَلَّةِ تَرْكِ الْوَالِدِ بَرَّهُمَا.

در نامه امام علی بن موسی الرضا (ع) به محمد بن سنان آمده است: خداوند تبارک و تعالی عقوق والدین را حرام فرمود چرا که آزار آنان به خروج از توقیر خداوند منتهی می‌شود، و نیز به خروج از توقیر آنان و کفران نعمت و ابطال شکر منجر می‌شود. عقوق والدین به کمی نسل و حتی انقطاع نسل می‌انجامد چرا که آزرده شدن آنان به توقیر والدین خدشه وارد می‌سازد و به عدم شناخت حقشان می‌انجامد. عقوق والدین به قطع پیوند خویشی می‌انجامد و آنان نیز از فرزند دلسرد شده و بخاطر اینکه فرزند نیکی و برّ به آنان را ترک کرده به تربیت وی اشتیاقی نشان نمی‌دهند. (وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۵۰۲)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وَقَرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ

من فَرَعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (اصول کافی ج ۲ ص ۶۵۸)

رسول خدا (ص) فرمود هر کس، صاحب موی سفید را که در اسلام سپید شده، توقیر کند خداوند او را از رنج رستاخیز در امان دارد.

.. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُمْ فِي الدِّينِ وَرَزَقَهُمُ الرِّقْقَ فِي مَعَايِشِهِمْ وَ الْقَصْدَ فِي شَأْنِهِمْ وَ وَقَّرَ صَغِيرُهُمْ كَبِيرَهُمْ وَ إِذَا أَرَادَ بِهِمْ غَيْرَ ذَلِكَ تَرَكَهُمْ هَمَلًا. (مستدرک الوسایل ج ۸ ص ۳۹۲).

رسول خدا (ص) فرمود: هر گاه خداوند خیر گروهی را بخواهد، در دین دانایشان می‌کند، رفق و مدارای در رفتار روزیشان می‌سازد، در زندگی اعتدال به آنان ارزانی می‌دارد و کوچکترها بزرگسالانشان را توقیر می‌کنند و اگر غیر از این بخواهد آنان را سهل رها می‌سازد.

وَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِخَمْسٍ خِصَالٍ فَقَالَ فِيهِ وَ وَقَّرِ الْكَبِيرَ تَكُنْ مِنْ رُفَقَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (مستدرک ج ۸ ص ۳۹۴) انس می‌گوید: رسول خدا (ص) مرا به تحصیل پنج ویژگی سفارش نمود. از آن جمله فرمود: بزرگسال را توقیر کن که در رستاخیز همنشین من خواهی بود.

وَ رُوِيَ عَنْ أَحَدِهِمْ (ع) أَنَّهُ قَالَ وَقَّرَ أَبَاكَ يَطْلُ عُمُرُكَ وَ وَقَّرَ أُمَّكَ تَرَى لِبَنِيكَ بَنِينَ. (مستدرک ج ۱۵ ص ۲۰۴).

از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: پدر خود را توقیر کن که عمر تو طولانی می‌شود. مادر خود را توقیر کن، که فرزندان فرزندان خود را به چشم خواهی دید (آنقدر عمرت طولانی می‌شود که نوه‌های خود را خواهی دید).

بحث

برای اجرای راهبرد توقیر می‌توان به موارد زیر توجه نمود:

۱- در برخورد اجتماعی و رابطه بین فردی با یک سالمند، ضعف قوای جسمی و حرکتی

او را در نظر گرفته شتاب و تندی در فعالیت را بر او تحمیل ننمائید، به عبارت دیگر خود را با او منطبق سازید نه او را با خود یا در هنگام سوار ماشین شدن و پیاده شدن از خودرو با حوصله و یاری رساندن به او اجازه دهید به آرامی سوار یا پیاده شود.

۲- در راه رفتن در روز، پشت سر او حرکت نمایید و در شب به دلیل آنکه ممکن است مانعی در مقابل راه او باشد با احترام در جلوی او قدم بردارید تا موانع احتمالی را از مقابل او بردارید.

۳- در هنگام ورود سالمند به اتاق، جای مناسب را به او بدهید که بتواند به راحتی بنشیند و نیاز به تغییر جا نداشته باشد.

۲- اجلال

از نظر لغوی اجلال از ریشه جَلَل می‌باشد و معنای جَلَل (کار بزرگ است)، اجلال یعنی بزرگ دانستن، بزرگ شمردن، بزرگ قدر گردانیدن و توانا گردانیدن است. با توجه به معانی لغوی اجلال می‌توان گفت منظور از اجلال سالمند، بزرگ دانستن، تعظیم، و همچنین فراهم نمودن زمینه خود شکوفائی اوست. در روایات اسلامی در خصوص اجلال سالمند و اهمیت آن می‌خوانیم:

... عَنْ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وَقَرَ ذَا شَيْبَةٍ لِشَيْبَتِهِ آمَنَهُ

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۵)

از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود هر کس سالمندی را به خاطر پیری او توقیر کند خداوند از رنج رستاخیز در امانش دارد.

- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِشَيْبَتِهِ فَوَقَرَهُ آمَنَهُ اللَّهُ

تَعَالَى مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (همان)

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: هر کسی فضل و برتری شخص پیر را بداند و او را توقیر کند خداوند او را از رنج رستاخیز در امان دارد.

... عَنْ رُزَيْقِ بْنِ الزُّبَيْرِ الْخُلُقَانِي قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً أَسْرَعَ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الشَّيْبِ إِلَى الْمُؤْمِنِ وَ أَنَّهُ وَقَارٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا وَ نُورٌ سَاطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِهِ وَ قَرَأَ اللَّهُ خَلِيلَهُ إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَالَ مَا هَذَا يَا رَبِّ قَالَ لَهُ هَذَا وَقَارٌ فَقَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي وَقَاراً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَمَنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ شَبِيهَةِ الْمُؤْمِنِ. (همان)

امام صادق (ع): هیچ چیزی را به سرعت شتافتن پیری به سوی مؤمن نیافتم. پیری برای مومن وقار در دنیا، نوری درخشان در رستاخیز است، به همین نور پیری، خداوند پیامبرش ابراهیم (ع) را توقیر داشت. ابراهیم در حالی که دست به موی سپید خود داشت خطاب به پروردگار عرضه داشت ای خدا این چیست؟

پاسخ شنید این وقار است، عرضه داشت خدایا این وقار را بیفزای.

- وَ قَالَ (ص) بَجَلُّوا الْمَشَايخَ فَإِنَّ تَبْجِيلَ الْمَشَايخِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَنْ لَمْ يُبْجَلَّهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا.

وَ قَالَ أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِخِيَارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَطَوْلُكُمْ أَعْمَاراً إِذَا سُدِّدُوا (همان).

از پیامبر نقل شده است که فرمود مشایخ را تبجیل کنید، تبجیل مشایخ نمونه‌ای از اجلال خداوند عزوجل است هر کس آنان را اجلال نکند، از ما نیست پیامبر فرمود می‌خواهید بهترین تان را معرفی نمایم؟ گفتند آری ای رسول خدا، فرمود: بزرگسالانتان در صورتی که دارای رأی مستقیم و درست باشند.

- وَ عَنِ أَبِي الصَّادِقِ (ع) عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ جَاءَ رَجُلَانِ إِلَى النَّبِيِّ (ص) شَيْخٌ وَ شَابٌّ

فَتَكَلَّمَ الشَّابُّ قَبْلَ الشَّيْخِ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) الْكَبِيرَ الْكَبِيرَ.

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: دو مرد به نزد پیامبر آمدند، یکی پیر و دیگری جوان. جوان جلوتر از پیر لب به سخن گشود. پیامبر خطاب به او دو بار فرمود، اول پیر، اول پیر. (همان ص ۳۹۳).

وَقَالَ (ص) الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ. و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود پیر در میان اهلهش مثل پیامبر در امت است و نیز از پیامبر روایت شده: البركةُ مع اکابرکم. (همان ص ۳۹۴): برکت با بزرگسالان است.

امام صادق (ع) فرمود: از مصادیق اجلال خداوند اجلال مومنی پیر است و هر کس مومنی را اکرام کند همان خدای را اکرام کرده و هر کس پیری را خوار کند، قبل از مرگش خداوند کسی را مأمور می کند که او را خوار سازد. در روایتی دیگر می خوانیم:
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ. (همان)
امام جعفر صادق (ع) فرمود: اجلال و بزرگداشت مسلمان سپید موی (سالمند) بزرگداشت خداوند است.

بحث

برای بزرگ شماری سالمند و تعظیم نمودن او موارد کاربردی زیر در احادیث آورده شده است:

- ۱- بدانید از موارد بزرگ شماری خداوند، بزرگ شماری سالمند است.
- ۲- با او بگو مگو نکنید.
- ۳- در هنگام راه رفتن از او پیشی نگیرید (مگر در هنگام شب که به خاطر تاریکی و

۴۰ / درآمدی بر بهداشت روان سالمندان از دیدگاه قرآن و حدیث

خطرات احتمالی لازم است پیشاپیش او حرکت کرد).

۴- نسبت ناروا به او ندهید، هر چند او با شما چنین کند.

۵- در هنگام ورود او به مجلس جا برای او باز کنید.

۳- اکرام

اکرام از نظر لغت از ریشه کَرَم مشتق می‌شود و کرم به معانی جوانمردی، مروت، بزرگی، اعطاء به سهولت، ارجمندی، عزیزی، سخاوت، همت و... آمده است. اکرام یعنی گرامی داشتن، نواختن و بخشش کردن.

با توجه به معانی لغوی اکرام می‌توان نتیجه گرفت که وقتی گفته می‌شود سالمند را اکرام نمایند، یعنی او را نه تنها در ظاهر بزرگ بشمارید، بلکه او را در دل عزیز و گرامی دارید و به سهولت و احترام او را حمایت نمائید و حریم او را در نظر آورده و حفظ کنید. و دقت کنید که آنچه مربوط به او و جزو حقوق او شمرده می‌شود، مورد تجاوز قرار نگیرد.

در روایات اسلامی در اهمیت اکرام سالمند می‌خوانیم:

قال امیر المومنین (ع): ما اکرم شاب شیخاً لسنه أَلَا قیض الله له عند کبر سنه من یکرمه.

امیر مؤمنان (ع) فرمود: هیچ جوانی، سالمندی را به خاطر کبر سن او را اکرام نکرد مگر آنکه خداوند در زمان پیری او کسی را بر می‌گزیند که او را اکرام کند. (مشکات

الانوار ص ۱۷۹)

در روایت دیگری آمده است:

عن عبدالله بن أبان عن الرضا(ع) قال یا عبدالله عَظُّموا کبارکم وصلوا أرحامکم فلیس

تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ.

امام رضا(ع) فرمود: بزرگسالانتان را تعظیم و صلّه رحم کنید و بهترین صلّه رحم آن است که از آزار دادن آنان خودداری کنید. (همان ص ۱۷۰)

مواردی که در حدیث برای اکرام سالمند ذکر شده عبارت است از:

۱- حرمت او را نگه دارید.

۲- به او بی توجهی یا کم توجهی نکنید.

۳- او را مورد تمسخر و تحقیر قرار ندهید.

۴- او را دست نیندازید.

۵- در یاری دادن و بزرگ شماری او با حالتی بزرگوارانه و عزتمندانه اقدام نمائید.

نحوه رفتار با والدین سالمند

بخش مهمی از نحوه رفتار با سالمند در منابع دینی در ارتباط با سفارش‌هایی است که در مورد والدین شده است. به عبارت دیگر سهم فرزندان در سلامت روان سالمندان بسیار برجسته و بزرگ است. به طوری که علاوه بر توصیه‌های همگانی قرآن و حدیث در نحوه رفتار با توقیر، اجلال و اکرام سالمند، فرزندان به واسطه‌ی حق والدین بایستی از راهبردها و روش‌های دیگری نیز استفاده نمایند. این راهبردها شامل رفتار همراه با برّ، احسان، و شکر است.

۱- برّ

یکی از راهبردهای قرآن و حدیث در نحوه رفتار با والدین، راهبرد برّ است.

قرآن در مورد حضرت یحیی (ع) می‌فرماید:

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (مریم / ۱۴)

نسبت به پدر و مادرش مهربان بود و به تکلیف خود نسبت به آنان عمل می‌کرد و متکبر و عصیانگر نبود.

"بر" در لغت به معنای راست گفتن، کسی را گرامی داشتن، نیکوکاری، نیکی و بخشش است. این لغت مجازاً به معنی خیر و احسان بکار رفته است.

در قرآن و حدیث "بر" هم‌ردیف مفاهیمی همچون تقوی، صدق، قسط و احسان و در مقابل مفاهیمی همچون اثم، عُدوان، عصیان، فجور، شقی و... آمده است. "بر" یعنی راستی و درستی و نیکی در اعتقاد، رفتار و اخلاق. با بر رفتار کردن یعنی زورگو نبودن، عصیانگری نکردن، شقاوت نداشتن، دشمنی نوزیدن، تجاوز از حدود در مقابل مخالف نکردن، انفاق کردن از آنچه که دوست دارد (بر یا رفتار کردن با نیکویی همراه صداقت و بدون حب و بغض، سرکشی، زورگویی و شقاوت).

در قرآن و احادیث سفارش شده است که با والدین با شیوه بر رفتار کنید و در مقابل آنها عصیانگری و زورگویی نکنید. این سفارش صریح را چنانکه اشاره شد قرآن یکبار زمانی که به توصیف حضرت یحیی (ع) می‌پردازد باز گو می‌کند: "یحیی حقیقتاً پیامبری پرهیزگار بود. نسبت به پدر و مادرش مهربان بود و به تکلیف خود نسبت به آنان عمل می‌کرد، مستکبر و عصیانگر نبود" و یکبار از زبان حضرت عیسی (ع) به هنگامی که در کودکی به اذن خداوند لب به سخن گشود:

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (مریم / ۳۲)

و خداوند توصیه فرموده که نسبت به مادرم نیکی کنم؛ خداوند اراده فرموده که آدمی زورگو و سنگدل نباشم.

در روایات و احادیث اسلامی هم در تبیین این راهبرد قرآنی و تأکید بر آن مطالب بسیاری بیان شده که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَتَّالُ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ أَوْصِيَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِبِرِّ الْوَالِدَيْنِ. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۷)

در روضه الواعظین (نقل از مستدرک) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: از امتم کسانی که هم اکنون حضور دارند و آنان که در آینده خواهند آمد و کسانی که در اصلاب مردان و ارحام زنان هستند، تا روز رستاخیز همه و همه را سفارش می‌کنم که به پدر و مادر خویش نیکی کنند.

عَنِ الْبَاقِرِ (ع) أَنَّهُ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ يُهُوَّنَانِ الْحِسَابَ ثُمَّ تَلَا وَالَّذِينَ يَصِلُونَ الْآيَةَ. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۷).

از امام باقر(ع) روایت شده است: نیکی به پدر و مادر و صله رحم، حساب رستاخیز را آسان می‌کند، و آن حضرت آیه «والذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل...» را تلاوت فرمود.

«...عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلَهَا وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (وسائل الشيعه ج ۲۱ ص ۴۸۸).

منصور بن حازم نقل می‌کند، از امام صادق (ع) پرسیدم چه کاری از دیگر کارها برتر است؟ پاسخ فرمود: ادای نماز اول وقت، نیکی به پدر و مادر، جهاد در راه خداوند.

«وَعَنْ عَلِيٍّ (ع) الْبَارُّ يَطِيرُ مَعَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَإِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَّبِعُ فِي وَجْهِ الْبَارِّ وَ

يَكَلِّحُ فِي وَجْهِ الْعَاقِّ وَ رُوِيَ أَنَّ أَوَّلَ مَا كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ إِنِّي لَأِلَهِ إِلَّا أَنَا مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَالِدَاهُ فَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ، وَقَالَ (ص) رَضِيَ اللَّهُ فِي رَضَى الْوَالِدِينَ وَ سَخَطَهُ فِي سَخَطِهِمَا.» (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۶)

امام علی (ع) می‌فرماید: نیکوکار به پدر و مادر در بهشت در مقام و منزلت، همانند بزرگواران نیکوکار پرواز کند و ملک الموت در صورت او تبسم می‌کند و در صورت آزار دهنده پدر و مادر با خشم می‌نگرد و روایت شده اولین چیزی که خداوند در لوح محفوظ نوشت: همانا من که خدایی جز من نیست از کسی راضی هستم که پدر و مادرش از او راضی باشند. و پیامبر (ص) فرمود: رضایت خداوند در گرو رضایت پدر و مادر است و عذاب و ناراحتی او به دلیل ناراحتی آنهاست.

«فَقَهُ الرِّضَا، (ع) عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْآبِ وَ بِرِّهِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ لَهُ إِلَى أَنْ قَالَ وَ قَدْ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَقَّهُمَا بِحَقِّهِ فَقَالَ اللَّهُ أَشْكُرُ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ.» (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۶)

در فقه الرضا (ع) آمده است: بر تو باد که مطیع پدرت باشی و به او نیکی کنی، در مقابلش متواضع و افتاده باشی او را بزرگ داری، و نیز اکرامش کنی. می‌بینی که خداوند حق خود را با حق پدر و مادر قرین ساخته و فرموده است: شکر مرا به جای آور و نیز شکر پدر و مادرت را چرا که بازگشت شما به سوی من است.

«فَقَهُ الرِّضَا، (ع) عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْآبِ وَ بِرِّهِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ لَهُ وَ خَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْآبَ أَصْلُ الْإِبْنِ وَ الْإِبْنُ فَرْعُهُ وَ لَوْلَاهُ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُهُ اللَّهُ ابْدِلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالَ وَ الْجَاهَ وَ النَّفْسَ وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّكَ أَنْتَ وَ مَالُكَ لِأَيِّكَ فَجُعِلَتْ لَهُ النَّفْسُ وَ الْمَالُ تَابِعُوهُمْ فِي الدُّنْيَا أَحْسَنَ الْمُتَابِعَةِ بِالْبِرِّ وَ بَعْدَ الْمَوْتِ بِالدُّعَاءِ لَهُمْ وَ التَّرَحُّمِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّ

مَنْ بَرَّ أَبَاهُ فِي حَيَاتِهِ وَلَمْ يَدَعْ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ سَمَاءَ اللَّهِ عَاقًا. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۱).

بر تو باد: پیروی از پدر "بر" به او رعایت فروتنی و تواضع، بزرگداشت و اکرام او، و به آرامی سخن گفتن در حضور او. پدر اصل و ریشه فرزند است و فرزند به منزله شاخه و اگر پدر نبود فرزند پدید نمی‌آمد. اموال خود، موقعیت اجتماعی، حتی جان خود را از پدر دریغ مدارید. روایت شده تو و مال تو به پدرت تعلق دارد پس جان و مال خود از پدرت دریغ مدار. با برّ و نیکی به بهترین وجه در دنیا از پدران تبعیت کنید و بعد از مرگ نیز با دعا و طلب رحمت آنان را خشنود دارید. در روایت آمده است کسی که به پدرش در دوران حیات نیکی کند اما پس از وفات او برایش دعا نکند، خداوند او را «عاق» می‌نامد (کسی که پدر و مادر خویش را آزار دهد).

...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُّ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ. (وسایل اشیعه ج ۲۱ ص ۴۹۱)

امام صادق (ع): شخصی نزد پیامبر (ص) آمد و از آن حضرت سوال کرد ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود به مادرت. دوباره سوال کرد: فرمود به مادر خود و برای بار سوم نیز سوال را تکرار کرد فرمود به مادر؛ آنگاه سوال کرد پس از مادر به چه کسی نیکی کنم فرمود به پدر خود.

عنه (ص) أَنَّهُ قَالَ لَنْ يَدْخُلَ النَّارُ الْبَارُّ بِوَالِدَيْهِ وَ عَنهُ ص أَنَّهُ قَالَ بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ غَيْرِكُمْ تَعِفَّ نِسَاؤُكُمْ. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۵)

حضرت رسول (ص) فرمود نیکی کننده به والدین به دوزخ وارد نشود و نیز فرمود:

اگر انتظار دارید که فرزندانان به شما نیکی کنند، به پدرانتان نیکی کنید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ صَدَقَهُ السَّرُّ تَطْفِيُّ غَضَبِ الرَّبِّ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ صَلَهُ الرَّحِمِ
يَزِيدَانِ فِي الْأَجْلِ. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۴)

امام باقر(ع) فرمود: صدقه در پنهانی خشم خداوند را خاموش و نیکی به والدین و
صله رحم، عمر انسان را افزون می‌سازد.

... عَنْ عَمَّارِ بْنِ حَيَّانٍ قَالَ خَبَّرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) بِيْرِ إِسْمَاعِيلَ ابْنِي بِي فَقَالَ لَقَدْ كُنْتُ
أَحِبُّهُ وَ قَدْ أزدَدْتُ لَهُ حُبًّا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَتَتْهُ أُخْتُ لَهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا
وَ بَسَطَ مَلْحَفَتَهُ لَهَا فَاجْلَسَتْهَا عَلَيْهَا ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَدِّثُهَا وَ يَضْحَكُ فِي وَجْهِهَا ثُمَّ قَامَتْ فَذَهَبَتْ وَ
جَاءَ أَخُوهَا فَلَمْ يَصْنَعْ بِهِ مَا صَنَعَ بِهَا فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ بِأَخْتِهِ مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ فَقَالَ
لَأَنَّهَا كَانَتْ أُمَّ بَوَالِدِيهَا مِنْهُ. (وسائل الشيعه ج ۲۱ ص ۴۸۹-۴۸۸)

عمار بن حیان می‌گوید: به امام صادق(ع) اطلاع دادم که فرزندم اسماعیل به من
نیکی می‌کند، امام به من فرمود من از قبل فرزند تو را دوست داشتم و هم اکنون حبّ او
در دلم افزون شد. همانا رسول خدا (ص)، خواهری رضاعی داشت هرگاه او را می‌دید
خوشحال می‌شد، برای او فرش مخصوص خود را می‌گسترانید و او را راهنمایی می‌کرد که
بنشیند، سپس خود رو به روی خواهرش می‌نشست با او سخن می‌گفت و لبخند می‌زد تا او
نیز خوشحال شود، روزی چنین گذشت پس از او برادرش نیز نزد رسول خدا آمد، ولی
پیامبر این رفتار محبت‌آمیز را با او نداشت. به رسول خدا گفته شد، ای رسول خدا رفتار تو
با خواهرش به گونه‌ای دیگر بود پاسخ فرمود آری چرا که خواهرش نسبت به پدر و
مادرش نیکوکارتر از برادر بود.

نیکی کردن به والدین دارای اجر و مرتبه معنوی نزد خداوند است و اجر و پاداش

دنیا بی نیز برای آن در نظر گرفته شده است:

...وَعَنْهُ ص قَالَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْبَارِ دَرَجَةٌ وَبَيْنَ الْعَاقِ وَالْفِرَاعِنَةِ دَرَكَةٌ. (مستدرک

الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۶)

...از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: بین انبیاء و نیکوکاران به پدر و مادر فقط یک درجه در بهشت فاصله است و بین آزار دهنده به پدر و مادر و فراعنه هم یک پرتگاه (در دوزخ).

وَقَالَ ص إِنَّ اللَّهَ مَلَكَ يُنَاجِي أَحَدَهُمَا الْآخَرَ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ احْفَظِ الْبَارِينَ بِعِصْمَتِكَ وَ

الْآخِرُ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَهْلِكَ الْعَاقِينَ بِغَضَبِكَ. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۶)

و نیز از حضرت رسول (ص) نقل شده است که فرمود: خداوند دو فرشته دارد، یکی از آنان دیگری را صدا می زند در حالی که می گوید: خدایا نیکوکاران به والدین را در سایه ی حمایت خود محفوظ دار! و آزار دهندگان به پدر و مادر را نابود ساز.

وَقَالَ رَجُلٌ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (ع) يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ دَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ لَهُ

اتَّقِ اللَّهَ فِي سِرِّكَ وَ عَلَانِيَتِكَ وَ بَرِّ وَالِدَيْكَ (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۴).

مردی به حضرت عیسی (ع) گفت ای آموزگار نیکی، مرا به عملی راهنمایی کن که با انجام آن بهشت نصیبم گردد، پاسخ فرمود به اوامر و نواهی خداوند در نهان و آشکار پای بند باش و به پدر و مادر خویش نیکی کن.

وَقَالَ (ص) مَنْ يَضْمَنُ لِي بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ صَلَهِ الرَّحِمِ أَضْمِنَ لَهُ كَثْرَةَ الْمَالِ وَ زِيَادَةَ الْعُمْرِ

وَ الْمَحَبَّةَ فِي الْعَشِيرَةِ. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۵).

و حضرت رسول (ص) فرمود هر کس، نیکی به والدینش را در نزد من تضمین نماید، افزونی مال، طول عمر و محبت در دل خویشانش را برای او تضمین می کنم.

وَ عَنْهُ (ص) قَالَ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَسَمِعْتُ صَوْتَ إِنْسَانٍ فَقُلْتُ مَنْ هَذَا قَالُوا الْحَارِثُ بْنُ النُّعْمَانَ الْأَنْصَارِيُّ كَانَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ فَصَارَ مِنْ أَهْلِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۵).

و از حضرت رسول (ص) نقل شده است که - در شب معراج - به بهشت وارد شدم صدای انسانی را شنیدم گفتم این صدا از کیست؟ گفتند صدای حارث بن نعمان انصاری است او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و در بهشت به درجات برتر نائل گردید.

نیکی به پدر و مادر چه پدر و مادر نیکوکار باشند چه فاجر و مشرک :

...عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ لِي أَبَوَيْنِ مُخَالَفَيْنِ فَقَالَ بَرَّهُمَا

كَمَا تَبَرُّ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ يَتَوَلَّانَا. (وسایل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۹۰)

جابر می گوید نزد امام صادق (ع) بودم مردی به آن حضرت گفت، پدر و مادرم با اعتقادات شیعی مخالفند (با آنان چگونه رفتار نمایم)؟ فرمود همانگونه که به شیعیان ما نیکی می کنی با آن دو نیز رفتار نما.

...مُصْعَبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رَخْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى

الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ. (وسایل الشیعه

ج ۲۱ ص ۴۹۰)

مصعب از امام باقر (ع) نقل می کند سه چیز است که خداوند اجازه مخالفت با آن را

نمی دهد؛

الف - ادای امانت، خواه به نیکوکار و خواه به فاجر ب - وفا به عهد و پیمان، خواه نسبت به نیکوکار، خواه فاجر و ج - نیکی به والدین، خواه نیکوکار باشند و خواه فاجر و بدکار.

از اسماء دختر ابی بکر روایت شده که گفت: مادرم که زنی مشرک بود و در عهد

مشرکین قریش و پیمان ایشان با رسول خدا(ص) قرار داشت، به دیدنم آمده بود من از رسول خدا(ص) پرسیدم آیا اجازه هست به دیدنش بروم و صله رحم کنم؟ در پاسخ من بود که آیه شریفه " لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم أن تبروهم و تقسطوا إلیهم ان الله یحب المقسطین" (ممتحنه / ۸) نازل شد " خداوند شما را از رابطه دوستی با کسانی که بر اثر مخالفت در دین با شما نجنگیده اند و شما را از وطن تان اخراج نکرده اند، منع نمی فرماید. که به آنان نیکی کنید و نسبت به آن عدالت را رعایت نمایید همانا خداوند مردم اهل انصاف و بر پا دارندگان عدالت را دوست می دارد" و حضرت فرمود: بله به دیدنش برو و صله رحم کن. (تفسیر نمونه ج ۲۴ ص ۲۴).

نیکی به والدین خواه زنده و خواه از دنیا رفته باشند:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ أَوْصِنِي قَالَ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ أَحْرَقْتَ بِالنَّارِ وَغَدَبْتَ إِلَّا وَقَلْبُكَ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَالِدَيْكَ فَاطْعُهُمَا وَبَرَّهُمَا حَيًّا كَانَا أَوْ مَيِّتَيْنِ. (وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۹۰)

...محمد بن مروان از امام صادق(ع) روایت می کند: مردی نزد پیامبر آمد و درخواست کرد که به او دستورالعملی دهد حضرت فرمود: به خدا شرک نوز هر چند که تو را به آتش بسوزانند و عذاب دهند در این صورت شیرینی ایمان قلب تو را آرام می سازد، از والدین خود اطاعت کن و به آن دو نیکی کن، خواه زنده باشند و یا مرده باشند.

وَعَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبِرَّ وَالِدَيْهِ حَيًّا وَ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّي عَنْهُمَا وَ يَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَ يَصُومُ عَنْهُمَا فَيَكُونُ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدهُ اللهُ بِرَّهُ وَ صَلْتَهُ خَيْرًا كَثِيرًا. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۰۱)

امام صادق(ع) فرمود: چه چیزی مانع شماست که به پدر و مادر خود در دوران حیات و پس از حیاتشان نیکی نمی کنید؟ پس از مرگ می توانید از طرف آنان نماز بخوانید، صدقه دهید، روزه بگیرید، هر چه برای آنان انجام دهید، خداوند در ازای این نیکی و صلّه، خیری فراوان به شما ارزانی می دارد.

۲- احسان

یکی از راهبردهای اساسی رفتار با والدین در قرآن و حدیث، راهبرد احسان است. احسان در لغت به معنی: خوبی، نیکی، نیکوکاری، بخشش، انعام، نیکویی کردن و نیکویی گفتن است (دهخدا ۱۳۷۳). احسان در قرآن و حدیث به معنی نیکویی کردن در گفتار، رفتار، افکار، آداب اجتماعی و حل اختلافات است.

همانگونه که ملاحظه می شود معنای احسان و "بر" (که قبلاً توضیح داده شد) بسیار نزدیک به هم می باشد، به گونه ای که جدا کردن آنها دشوار می نماید. ضمن آنکه نمی توان جدایی آنها را از نظر دور داشت، لیکن به دلیل عدم مرزبندی دقیق معنایی بین این دو می توان هر دو را بیانگر یک موضوع دانست.

در قرآن کریم توصیه شده که مسلمانان به احسان و عدل رفتار کنند:

انَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل / ۹۰)

خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

و این توصیه به تاکید، در روابط با والدین مورد اشاره قرار گرفته است. به طوری که یکی از جهت گیری های کلی و اصلی در روابط با والدین، احسان کردن و به نیکی رفتار کردن با آنان است.

• و وصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا (عنکبوت / ۸)

و انسان را سفارش کردیم به پدر و مادر خود نیکی کند.

• و بالوالدین احسانا (اسراء / ۲۴)

و به پدر و مادر [خود] احسان کنید.

• و وصینا الانسان بوالدیه احساناً. (احقاف / ۱۵)

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم.

قرآن کریم از زبان فرزندان یعقوب بیان می کند :

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنْ

الْمُحْسِنِينَ. (یوسف / ۷۸)

گفتند: «ای عزیز، او پدری پیر و سالخورده دارد؛ بنابراین یکی از ما را به جای او

بگیر، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم.»

در روایتی آمده است:

... عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) أَنَّهُ ذَكَرَ الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ هُمَا اللَّذَانِ قَالَ اللَّهُ: وَقَضَى

رَبُّكَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۳)

ابی بصیر از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل می کند که نزد امام سخن از پدر و

مادر به میان آمد آن حضرت فرمود: آن دو کسانی هستند که خداوند در مورد آنان فرمود:

خدا حکم کرد که جز او را نپرستید و به والدین نیکی کنید.

اهمیت و جایگاه احسان

در اسلام احسان کردن به والدین از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

به گونه ای که بخشی از آیات و احادیث اسلامی به اهمیت این مسئله اختصاص دارد.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ كُفْرًا بِآيَاتِ اللَّهِ وَعَدْلًا بِيَوْمِ الْحِسَابِ

(انعام/۱۵۱)

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید.

وَقَالَ (ص) أَفْضَلُ الْكَسْبِ كَسْبُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَفْضَلُ الْخِدْمَةِ خِدْمَتُهُمَا وَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ

عَلَيْهِمَا وَ أَفْضَلُ النَّوْمِ بِجَنبِهِمَا. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۰۰)

حضرت رسول (ص) فرمود: بهترین کسب آن است که انسان پدر و مادر خویش را به دست آورد (راضی کند) و بهترین خدمت خدمت به آنان است، بهترین بخشش، بخشش به آنان است بهترین آسایش آن است که در کنار آنان استراحت نمایی.

در موضوع احسان والدین، جایگاه مادر مخصوص و ویژه است. به طوری که در احسان به والدین، احسان به مادر مقدم بر احسان به پدر است. این تاکید را در قرآن می توان از آنجا استنباط نمود که پس از توصیه احسان به والدین، ادله احسان به مادر را مورد اشاره قرار داده است. ضمن آنکه چنین برداشتی در احادیث به تصریح و وضوح مطرح شده است. همانطور که پیشتر در مورد "بر" به والدین اشاره گردید.

در قرآن کریم می خوانیم:

وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بوالديه إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ

شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

وَ عَلَيَّ وَاللَّيِّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ

الْمُسْلِمِينَ (احقاف/۱۵).

و انسان را جهت احسان به پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، او را

باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، آن گاه می گوید: «پروردگارا، بر دلم الهام کن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان؛ در حقیقت، من به درگاه تو بازگشتم و من از فرمان پذیرانم.»

در روایات آمده است :

الْقُطْبُ الرَّاؤُنْدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ وَقَالَ (ص) تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَقَالَ (ص) إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَاقْطَعْهَا. (نقل از مستدرک الوسائل ج: ۱۵ ص: ۱۸۱)

قطب راوندی در لب اللباب از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است: زیر پای مادران گلستانی از گلستان‌های بهشت است و فرمود: هر گاه به نماز مستحبی مشغول هستی اگر پدرت تو را صدا زد نماز خود را قطع نکن ولی اگر مادرت تو را صدا زد، نماز مستحبی خود را قطع کن.

عوالی اللالی، فی الحدیثِ عَنْهُ (ص) قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الْوَالِدِ؟ قَالَ أَنْ تُطِيعَهُ مَا عَاشَ قَبِيلَ وَمَا حَقُّ الْوَالِدِ فَقَالَ هِيَهِاتَ لَوْ أَنَّهُ عَدَدُ رُمْلِ عَالِجٍ وَقَطْرُ الْمَطَرِ أَيَّامَ الدُّنْيَا قَامَ بَيْنَ يَدَيْهَا مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلْتَهُ فِي بَطْنِهَا (نقل از همان ج ۱۵ ص ۱۸۲)

در عوالی اللالی در حدیثی آمده است، از رسول خدا (ص) در مورد حق پدر سوال شد. حضرت پاسخ فرمود: تا زنده است مطیع او باشی و گفته شد: حق مادر چیست؟ فرمود هیئات، هیئات اگر چنانچه به عدد ریگ‌های بیابان و قطرات باران در همه ایام دهر در

مقابل او بایستی با یک روز که در دوران بارداری فرزند را جا به جا کرده است، برابری نمی‌کند.

الْعَلَامَةُ الْكَرَاجُكِي فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ بِوَجُوبِ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى حَقَّ
الْأُمِّ مُقَدِّمًا لِأَنَّهَا الْجُنَاحُ الْكَبِيرُ وَالذَّرَاعُ الْقَصِيرُ. (نقل از همان).

علامه کراجکی در کتاب التعریف در وجوب حق پدر و مادر آورده است که: خداوند حق مادر را بر حق پدر مقدم داشت چرا که او-بال و پرش بزرگتر- ولی بازویش کوچکتر است. جمله کنایه، است از آنکه زمان بیشتری فرزند را در دامن خویش تربیت کرده در حالی که از نظر جسمی ضعیف‌تر بوده است؛ آری مادر در دوران زندگی نیاز بیشتری به معین دارد، او نسبت به فرزند شفیق‌تر بوده و رنج بیشتری در تربیتش تحمل نموده است.

وَ قِيلَ لِلْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (ع) أَنْتَ أَيْرَ النَّاسِ وَ لَا نَرَاكَ تُوَكِّلُ أُمَّكَ قَالَ أَخَافُ أَنْ أَمْدَّ
يَدِي إِلَى شَيْءٍ وَ قَدْ سَبَقَتْ عَيْنُهَا عَلَيْهِ (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۸۳)

به امام زین العابدین (ع) گفته شد، تو نیکوکارترین مردمانی اما نمی‌بینم با مادر سر یک سفره بنشید، فرمود می‌ترسم دستم را به سمت چیزی از طعام دراز کنم که قبل از آن چشم مادرم به آن افتاده بود (و نمی‌خواهم همین اندازه موجب آزار او شوم).

یکی از نمونه‌های عملی احسان به والدین را می‌توان در روایت زیر مشاهده نمود:

ابوالقاسم الکوفی فی کتاب الاخلاق، قال رجل لرسول الله ان والدتي بَلَغَهَا الْكِبَرُ وَ هِيَ
عِنْدِي الْآنَ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَ أَطْعُمُهَا مِنْ كَسْبِي وَ أَمِيطُ عَنْهَا الْأَذَى بِيَدِي وَ أَصْرِفُ
عَنْهَا مَعَ ذَلِكَ وَجْهِي إِسْتِحْيَاءً مِنْهَا وَ اعْظَمَا لَهَا فَهَلْ كَافَأْتُهَا قَالَ لَا لِأَنَّ بَطْنَهَا كَانَتْ لَكَ وَعَاءٌ وَ
ثَدْيُهَا كَانَتْ لَكَ سِقَاءٌ وَ قَدَمُهَا لَكَ حِذَاءٌ وَ يَدَاهَا لَكَ وَقَاءٌ وَ حِجْرُهَا لَكَ حِوَاءٌ وَ كَانَتْ تُصْنَعُ

ذلک لک و هی تَمَنِّی حَیَاتِکَ و انت هذابها و تُحِبُّ مَمَاتَهَا (نقل از مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۸۰)

در کتاب الاخلاق، ابوالقاسم کوفی آورده است: مردی به رسول خدا (ص) گفت مادرم به سن پیری رسیده و هم اکنون در نزد من است او را بر پشت خود جا به جا می کنم از درآمد خود او را غذا می دهم. با دست خود سر و صورت او را از آلودگی پاک می کنم با این حال خجالت می کشم مستقیم به چشم او نگاه کنم به خاطر اینکه او در نزدم بزرگ است آیا حق او را ادا کرده ام حضرت پاسخ داد نه. چرا که رحم او ظرف نگهداری تو بود، پستانش سیراب کننده تو، قدم او راهنمای تو و دستش محافظ تو و دامن او نگاهدار تو، با این همه رنج آرزو داشت مبادا به حیات و زندگی تو خدشهای وارد شود، ولی تو با این زحماتی که می کشی باز در دل آرزو داری که مادرت زودتر بمیرد (که از رنج رها شوی).

یکی از وجوه اهمیت احسان به والدین، جایگاه خشنودی آنان و نقش ایشان در ارتقاء معنوی فرزند است. خشنودی والدین از فرزندان که در مقابل عاق والدین است از بخش های اساسی و مهم منابع دینی در زمینه جایگاه و اهمیت احسان به والدین به شمار می رود، چرا که احسان به والدین می تواند منجر به خشنودی آنان و عدم احسان و انجام رفتارهای ناپسند نسبت به والدین می تواند زمینه ساز عاق والدین باشد.

قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ جِئْتُكَ أَبَايُعَكَ عَلَى الْهَجْرَةِ وَتَرَكْتُ أَبَوِي يُبْكِيَانِ فَقَالَ ارْجِعْ إِلَيْهِمَا وَأَضْحِكُهُمَا (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۶)

مردی به رسول خدا گفت آمده ام با تو برای هجرت بیعت نمایم، هنگام ترک پدر و مادرم گریه می کردند، حضرت فرمود: به سوی آنان باز گردد، نزد آنان بمان تا صدای

خنده آنان را بشنوی.

ابوالقاسم الكوفي في كتاب الاخلاق، عن رسول الله (ص) أنه قال رضي الرب في رضي
الوالدين وسخط الرب في سخط الوالدين. (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۵)

ابوالقاسم کوفی در کتاب اخلاق از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود:
خشنودی خداوند در خشنودی والدین و خشم خداوند در خشم پدر و مادر است.

عنه (ص) أنه قال من أصبح مرضياً لا بويه أصبح له بابان مفتوحان إلى الجنة وإن كان
واحد منهما قباباً واحداً (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۵)

و نیز فرمود کسی که شب را به صبح رساند در حالی که پدر و مادر از او خشنود
باشند، دو در از بهشت بر او گشوده شود و اگر یکی از پدر و مادر را خشنود کرده باشد
یک در بر او گشوده شود.

و عنه (ص) أنه قال إن العبد ليرفع له درجة في الجنة لا يعرفها من أعماله فيقول رب
أني لى هذه فيقول باستغفار والديك لك من بعدك (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۷۴)

و نیز از رسول خدا (ص) نقل شده که بنده خدا در بهشت درجه ای رفیع می یابد و
خود نمی داند که به سبب کدامیک از اعمال اوست می گوید ای خدا سبب آن چیست؟
می فرماید بدان سبب که پدر و مادر بعد از تو برایت طلب آمرزش نمودند.

و عنه (ص) أنه قال الوالد وسط أبواب الجنة فإن شئت فأحفظه وإن شئت فضيعه .
(مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۲)

از پیامبر (ص) نقل شده است: پدر در مرکز درهای بهشت است؛ حال می خواهی او
را حفظ کن، خواه می خواهی او را ضایع ساز.

...عن رسول الله (ص) أنه قال النظر إلى وجه الوالدين عبادة (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۲)

از رسول خدا (ص) نقل شده است: نگاه به صورت والدین عبادت است.

وَمِمَّا أَخْبَرَنِي بِهِ شَيْخِي رَحِمَهُ اللَّهُ فِي أَحَادِيثِهِ الْمُسْنَدَةِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ
قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظَرَ رَحْمَةِ الْأَلِّ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ نَظْرَةَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةً
قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ (مستدرک
الوسائل ج ۱۵ ص ۲۰۲)

علامه محدث نوری در مستدرک می گوید استادم در احادیثی که سند آنها را به ابن عباس رسانده و از رسول خدا (ص) نقل شده آورده است: که هیچ فردی به پدر و مادر خود نگاه محبت آمیز نکند مگر آنکه در برابر هر نگاه از ثواب حجی مقبول بر خوردار خواهد شد. گفته شدای رسول خدا هر چند در روز صد بار اینگونه نگاه کند؟ فرمود: حتی اگر صد هزار بار هم نگاه کند.

شیوه‌های احسان و "بر"

"بر" و احسان به والدین دو اصل راهبردی هستند، که در قرآن و روایات شیوه‌هایی برای اعمال و اجرای آن دو ذکر شده است. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به رفتار مناسب و معروف، دعا در حق والدین، تواضع، برخورد کریمانه، صلۀ رحم، نفقه دادن یا کمک مالی و آزار نرساندن و فرمانبرداری از آنان اشاره نمود. اینکه ما در اینجا احسان و "بر" را با هم ذکر نموده ایم از آن جهت است که مرز معنایی این دو بسیار نزدیک به هم است؛ به طوری که در بیشتر مواقع هر دو یک معنا را در ذهن تداعی می‌کنند.

در زمینه احسان به والدین، بویژه در دوران سالخوردگی در قرآن کریم آمده است:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ
كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۗ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنْ

الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اِرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا (اسراء / ۲۴-۲۳)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «أف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. * و از مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: «پروردگارا، آن دو را رحمت کن، چنانچه مرا در خردی پروردند.»

چنانکه ملاحظه می شود قرآن از جمله مصادیق احسان به والدین سالمند را گفتار مناسب با آنان، تواضع و فروتنی با آنان و همچنین دعا نمودن به ایشان دانسته است. روایات اسلامی، بر به والدین را رفتاری مستمر و پیوسته تفسیر نموده است که فرزندان بعد از مرگ والدین نیز می توانند آن را استمرار بخشند:

وَقَالَ آخِرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ بَقِيَ مِنَ الْبِرِّ بَعْدَ مَوْتِ الْآبَوَيْنِ شَيْءٌ قَالَ نَعَمْ الصَّلَاةُ عَلَيْهِمَا وَالْإِسْتِغْفَارُ لَهُمَا وَالْوَفَاءُ بَعْدِهِمَا وَ الْإِكْرَامُ صَدَقَاتِهِمَا وَصَلَةُ رَحِمِهِمَا (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۰۱)

فردی از رسول خدا (ص) سوال کرد که آیا پس از مرگ پدر و مادر می توان به آنان نیکی کرد؟ فرمود بلی، دعایشان کنید، از خداوند برایشان طلب آمرزش کنید و اگر پیمان وعهدی داشته اند به آن پیمان وفا کنید و دوستان آنان را اکرام کنید و با خویشان آنان رفت و آمد داشته باشید.

"بر" به والدین نشانه معرفت خداست.

بر اساس نقل مصباح الشریعه (پیوست ش ۳) امام صادق (ع) می فرماید: بر والدین نشانه معرفت بنده به خداست. هیچ عبادتی (نزدیکتر) به رضایت خداوند از بر به والدین مسلمان نیست چرا که حق پدر و مادری که دیندار باشند برگرفته از حق خداست. دینداری آنان به

این است که فرزند را از مسیر طاعت الهی به معصیت و نافرمانی و از یقین به شک و از زهد به دنیا منحرف نسازند، (اگر منحرف ساختند) فقط در این صورت نباید از آنان پیروی نماید. در اینجا نافرمانی آنان طاعت خدا و طاعت آنان نافرمانی خدا محسوب می‌شود. البته طبق گفته خداوند در معاشرت با آنان مدارا کن و از آزار آنان پرهیز؛ به خاطر حقی که بر گردن تو دارند، آنان در کودکی رنج تو را کشیده اند پس عرصه را بر آنان تنگ مدار، آنچه خداوند از خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها روزی تو کرده در اختیار آنان قرار ده، روی خود را از آنان برنگردان، صدایت بلندتر از آنان نباشد، این همه به خاطر بزرگداشت امر الهی است؛ در سخن بهترین گفتار را به آنان بگو، به آنان لطف کن و مهرورزی نما، آری خداوند پاداش محسنین و نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد. (نقل از مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۱۹۸)

...عن ابی ولاد الحنات قال سالت أبا عبدالله (ع) عن قول الله عزوجل "و بالوالدین إحسانا" ما هذا الاحسان فقال الاحسان أن تحسن صحبتهمَا و أن لا تکلفهمَا أن یسالاک شیئا مما یحتاجان إلیه و إن کانا مستغنین ألیس یقول الله لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبّون... (وسایل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۸۸).

ابی ولاد می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم مقصود خداوند از "و بالوالدین احساناً" چیست؟ پاسخ فرمود: حسن معاشرت با آنان و اینکه قبل از آنکه رنج درخواست را متحمل شوند، نیاز آنان را برآورده سازی هر چند تصور کنی بی نیازند. آیا سخن خداوند را نخوانده‌ای که فرمود: به مقام بر نمی‌رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و نیز خداوند فرمود اگر یکی از دو پدر و مادر یا هر دو به سن پیری رسیدند هر چند تو را ناراحت کنند، کلمه‌ای که منجر به کوچکترین ناراحتی آنان شود به زبان نیاور حتی اگر تو

را مورد ضرب قرار دادند، آنان را از خود دور نکن و همواره با گفتار کریمانه با آنان سخن بگو، و اگر تو مورد ضرب قرار دادند، به آنان بگو «از خداوند برای شما طلب آمرزش می‌کنم» و این معنای «قول کریم» است که در آیه قرآن آمده است و معنی «و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه» آن است که نگاه به آنان، نگاهی دلسوزانه و توأم با مهرورزی باشد. هیچگاه صدای تو بلندتر از صدای آنان نباشد و نیز دست خود را فراتر از دست آنان قرار مده و نیز جلوتر از آنان به جایی وارد نشو.

در اینجا به نمونه‌هایی از شیوه‌های برّ و احسان اشاره می‌شود:

الف- رفتار معروف و مناسب با والدین

رفتار معروف رفتاری است که بین عقلا و خردمندان جامعه به نیکی شناخته شده و آنرا تمجید می‌کنند. قرآن توصیه نموده فرزندان با پدر و مادر رفتاری مناسب و معروف داشته باشند حتی اگر والدین رفتاری نامناسب داشتند.

«و إن جاهدک علی أن تُشْرک بی ما لیس لک به علمٌ فلا تُطعِمْها و صاحبِهما فی الدنیا معروفًا و اتَّبِع سبیل من اناب إلیّ ثم إلی مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون.» (مریم / ۱۵)

و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک و رزی، از آنان فرمان مبر [ولی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من باز می‌گردد؛ و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است، و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد.

«و وصینا الانسان بوالدیه حُسنًا و إن جاهدک لتُشْرک بی ما لیس لک به علمٌ فلا تُطعِمْها إلیّ مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون.» (عنکبوت / ۸)

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، [ولی] اگر آنها با تو

در کوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی، از ایشان اطاعت مکن. سرانجام تان به سوی من است، و شما را از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم کرد.

این توصیه قرآنی در احادیث نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

... عن ابی عبدالله (ع) قال جاء اعرابی الی النبی (ص) فقال یا رسول الله یا یعنی علی الاسلام فقال أن تقتل اباک فکفّ الاعرابی یده و اقبل رسول الله (ص) علی القوم یحدّثهم فعاد الاعرابی بالقول فاجابه رسول الله (ص). بمثل الاول فکفّ الاعرابی یده فاقبل رسول الله (ص) علی القوم یحدّثهم عاد الاعرابی فقال أن تقتل أباک؟ فقال نعم فبايعه ثم قال له رسول الله (ص) الان حین لم تتخذ من دون الله و لا رسوله و لا المومنین ولیجه انی لأمرت بعقوق الوالدين و لكن صاحبهما فی الدنيا معروفا. . (وسایل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۴۹)

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود یکی از اعراب بادیه نشین نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت ای رسول خدا می‌خواهم بیعت مرا در حمایت از اسلام بپذیری. آن حضرت فرمود تا چه حدی پایبند به بیعت می‌مانی و لو آنکه با پدر (کافر) خود کارزار کنی؟ اعرابی درنگ کرد، بار دوم نیز اعرابی برای بیعت آمد، پیامبر باز سوال را تکرار کرد بار سوم وقتی پیامبر سوال خود را تکرار کرد، جواب داد آری تا آن حد نیز به بیعت خود پایبند هستم. حضرت با او بیعت کرد آنگاه فرمود هم اکنون مشخص شد که تکیه گاهی غیر خدا، فرستاده ی او و مومنین برای خود آرزو نمی‌کنی. اما بدان که من برای آزردن والدین مبعوث نشده ام بلکه در زندگی با آنان با معروف و روشی پسندیده رفتار نما.

... عن معمر بن خلاد قال قلت لابی الحسن الرضا (ع) أدعو لوالدئی اذا كانا لا یعرفان الحقّ قال ادع لهما و تصدّق عنهما و إن كانا حیّین لا یعرفان الحق فدارهما فان رسول الله

(ص) قال إن الله بعثني بالرحمة لا بالعقوق. (همان)

معمر می گوید به امام رضا(ع) عرض کردم: چگونه برای پدر و مادرم دعا کنم و حال آنکه دوران حیاتشان حق را نمی شناختند، فرمود: برای آن دو دعا کن، از طرف آنان مالی را صدقه ده و اگر چنانچه زنده اند و حق را نمی شناسند با آن دو مدارا کن، چنانچه پیامبر فرمود: خداوند مرا برای رحمت فرستاده است و نه برای عقوق(والدین) و آزردن آنان.

ب- گفتار کریمانه

یکی دیگر از شیوه‌های ذکر شده در رفتار با والدین، گفتار کریمانه است. گفتار کریمانه گفتاری است که توأم با عزت، ارجمندی(گرامی داشتن) و رعایت عزت مخاطب باشد. قرآن کریم در این باره چنین می فرماید: و قضي ربك أَلَّا تعبدوا إِلَّاه و بالوالدین إِحسانا إِمَّا یبلیغنَّ عندک الکبر أَحدهما او کِلَاهما فلا تقل لهما أفّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً (اسراء/ ۲۳)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر[خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها[حتی] أف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.

ج- رفتار متواضعانه

یکی از شیوه‌های رفتار با والدین در قرآن، رفتاری توأم با تواضع است. قرآن از این شیوه به خفض جناح یعنی بال گسترده تعبیر نموده است. خفض به معنی بلند نکردن آواز، نرم رفتن، پایین آوردن، فرو نهادن است (دهخدا ۱۳۷۳). دستور قرآن آن است که فرزندان

با والدین بایستی رفتاری همراه با فروتنی و تواضع داشته باشند.

... و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا
(اسراء/۲۴-۲۳).

... و از سر مهربانی بال فروتنی در مقابلشان بگشای و بگو: «پروردگارا، آن دو را
رحمت کن چنانکه مرا در خردی پرورش دادند.»

همچنین در روایات می خوانیم:

... عن ابراهيم بن شعيب قال قلت لابي عبدالله (ع) ان ابي قد كبر جداً و ضعف فنحن
نحملة إذا أراد الحاجه فقال إن استطعت أن تلي ذلك منه فافعل و لقمه بیدک فانه جنة لك
غدا (مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۲).

ابراهیم بن شعیب می گوید به امام صادق (ع) گفتم: پدرم به سختی پیر شده و ناتوان
است او را برای قضای حاجت به دوش می گیرم حضرت فرمود: به این کار ادامه ده و با
دست خود در دهانش غذا بگذار. این عمل فردای رستاخیز برای تو سپر و محافظ قرار
می گیرد.

... عن امير المؤمنين (ع) انه قال قم عن مجلسك لابيک و معلّمک و لو كنت أميراً.
(مستدرک الوسایل ج ۱۵ ص ۲۰۳).

از حضرت امیر (ع) نقل شده است: به احترام پدر و معلم خود به پا خیز، هر چند امیر
باشی.

د- صلّة رحم

یکی از شیوه های ذکر شده در منابع دینی در رفتار با والدین، رفت و آمد کردن با

آنان است. این شیوه که بر گرفته از شیوه کلی رفت و آمد با نزدیکان و خویشان می‌باشد با تأکید بیشتر در مورد پدر و مادر سفارش شده است. به طوری که اگر اختلاف عقیده هم بین آنها و فرزندان وجود داشته باشد، رفت و آمد خود با والدین را قطع ننماید.

در اهمیت ارحام (خویشان نزدیک) که پدر و مادر از مصادیق بارز آن شمرده می‌شود در قرآن می‌خوانیم:

... و اتقوا الله الذی تسائلون به والارحام (سوره نساء آیه).

پاس حرمت خدائی را که یکدیگر را به او سوگند می‌دهید، بدارید و پاس حرمت ارحام را هم نگهدارید. در این آیه به خاطر اهمیت موضوع خویشاوندان نزدیک جمله واتقوا تکرار شده است. ابتدا عزت و عظمت ربوبی را گوشزد نموده و سپس نسبت به اینکه مبدا وحدت خویشاوندی و ارتباط "رحمی" که خدا آن را در بین مردم قرار داده گسسته شود، هشدار داده است. پیوند با خویشان نزدیک که پدر و مادر به ویژه در سنین بزرگسالی از مصادیق بارز آن است، نمونه‌ای برجسته از تقوای ارحام محسوب می‌شود. در قرآن می‌خوانیم:

إِذَا بَلَغَنَّ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا ... وَ لَا تَنْهَرُهُمَا (اسراء / ۲۳).

چون پدر و مادر یا یکی از آنها به سن پیری رسیدند آنان را از خود دور مکن.

لازم به توضیح است که قرآن مجید، افرادی که پیوندهای الهی را استوار داشته و

پایه‌های آن را نگسلند، از زمره خردمندان وارسته دانسته است:

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

(رعد/۲).

صاحبان خرد ناب کسانی اند که ... پیوندهائی را که خداوند به استواری آن امر

کرده، پیوسته دارند و خشیت الهی بر دل داشته و مراقب پیامدهای بد محاسبه خود در روز رستاخیز هستند.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) معنای آیه فوق به طور واضح تبیین شده است:
قال النبی (ص) إِنَّ خیارکم أُولُو النہی قیل یا رسول اللہ و مَنْ أُولُوا النُّہی قال: هُم أُولُوا
الاخلاق الحسنه و الأحلام الرزینہ وصله الارحام بالامہات و الآباء و المتعاهدون للجیران و
الیتامی و یطعمون الطَّعام و یفشون السَّلامَ فی العالم و یصلونَ و الناسُ نیامٌ غافلون (وسائل
ج ۱۱ ص ۱۴۹).

پیامبر فرمود: برگزیدگان شما خردمنداند. سوال شد خردمندان چه کسانی هستند؟
فرمود آنان کسانی اند که دارای اخلاق نیک و اندیشه استوار هستند. با مادران و پدران
صله رحم می کنند، نسبت به همسایگان و یتیمان متعهد هستند، مستمندان را اطعام می کنند،
«جلوتر از دیگران» سلام را آشکارا بیان می کنند، آنگاه که دیگران در خوابند، اینان به نماز
می پردازند.

رفت و آمد با والدین در احادیث و روایات به تأکید مورد سفارش قرار گرفته است:
...عَوالی اللالی، وَ صَحَ فی الْأَخْبَارِ أَنْ رَجُلًا قَالَ یا رَسُولَ اللَّهِ أَبِیْعْ عَلَی الْهَجْرَةِ وَ
الْجِهَادِ فَقَالَ (ص) هَلْ مِنْ وَالِدِیْكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ کِلَاهُمَا قَالَ فَتَبَتَّعِی الْأَجْرُ مِنْ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ
قَالَ (ص) ارْجِعْ إلی وَالِدِیْكَ فَاحْسِنِ صُحْبَتَهُمَا (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۷).

در عوالی اللائی آمده است: مردی گفت ای رسول خدا (ص) با تو بیعت می کنم
چه برای هجرت و چه جهاد آماده ام. حضرت فرمود آیا هیچکدام از والدینت در حیاتند؟
عرض کرد بلی، هر دو زنده اند. حضرت فرمود فرصت را غنیمت شمر و از خدای پاداش
گیر. باز گرد به سوی پدر و مادرت، همنشین خوبی برای آنان باش تا نزد خداوند مأجور
باشی.

وَعَنْ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّلَةَ فِي عُمُرِهِ وَيَسْطُرَ رِزْقُهُ فَلْيَصِلْ أَبَوَيْهِ وَ لِيَصِلْ ذَا رَحِمِهِ. (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲).

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود کسی که امید دارد از عمری طولانی برخوردار شده و روزی وسیع داشته باشد، پیوند خود را با پدر و مادر و خویشاوندان خود پیوسته دارد.

أَبُو الْفَتْحِ الْكَرَاجَكِيُّ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ، بِوَجوبِ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ، رَوَى أَنْ أَسْمَاءَ زَوْجَةَ أَبِي بَكْرٍ سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَتْ قَدِمْتُ عَلَى أُمِّي رَاغِبَةً فِي دِينِهَا تَعْنِي مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ الشَّرِكِ فَأَصْلُهَا قَالَ (ص) نَعَمْ صَلَّيْ أُمُّكَ (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۸).

در کتاب التعریف ابوالفتح الکراجکی روایت نموده است که اسماء همسر ابوبکر به رسول خدا (ص) گفت نزد مادر رفتم، او به دین خود اصرار داشت و با شرک خود مرا آزرده آیا باز هم نزد او بروم؟ حضرت فرمود آری، رابطه خود را با مادرت قطع نکن. بخش دیگری از روایات به پیامدهای ناگوار قطع رابطه با خویشان و بخصوص پدر و مادر مسن اشاره دارد.

امام علی (ع): قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَجْلِبُ كَثِيرًا مِنَ النَّقْمِ (غررالحکم ص ۵۳۷).
قطع رابطه با خویشان نزدیک بسیاری از نکبت‌ها را در پی خواهد داشت.

هـ- نفقه دادن

یکی دیگر از شیوه‌های رفتار با پدر و مادر، نفقه دادن یا قرار دادن سهم مالی برای آنان است. این شیوه که در فقه اسلامی جنبه واجب دارد، در قرآن و حدیث مورد سفارش و تاکید قرار گرفته و بر فرزندان لازم است که پدر و مادر را از جنبه مالی حمایت نمایند.

يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره/۲۱۵).

از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند و به چه کسی بدهند؟» بگو: «هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه ماندگان تعلق دارد، و هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.»

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (بقره/۱۸۰).

بر شما مقرر شده است که چون مرگ یکی از شما نزدیک شود، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان (خود) به طور پسندیده وصیت کند (این کار) حقی است بر پرهیزگاران.

در روایات نیز آمده است :

...عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَيُّ نَفَقَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ نَفَقَةُ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَيْنِ (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۰۴).

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: آیا می‌دانید چه نفقه‌ای در راه خدا برترین نفقه‌ها است؟ گفتند خدا و رسول او داناترند؟ فرمود نفقه‌ای که فرزند به پدر و مادر خود می‌دهد.

در روایتی از امام علی (ع) می‌خوانیم:

جاء رجل الى النبي (ص) فقال يا رسول الله عندى دينار و فما تأمرنى به فقال انفق به على امك قال: عندى آخر فما تأمرنى به قال انفق على ابىك (بحار ج ۱۰۱ ص ۷۰).

مردی به حضور پیامبر (ص) رسید، و از آن حضرت سوال کرد: نزد من دیناری است

آن را در چه راهی مصرف کنم؟ حضرت پاسخ داد، آن را برای مادرت خرج کن. سوال کرد دیناری دیگر دارم حضرت پاسخ داد آن را برای پدرت خرج کن.

ادای حقوق مالی والدین از مصادیق صله رحم نیز هست:

قال علی(ع) فمن آتاه الله مالاً فليصل به القرابه (نهج البلاغه خطبه ۱۴۲).

چون خداوند مالی را نصیب کسی فرمود، باید با آن مال صله رحم به جای آورد.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره/۲۱۴).

سوال می‌کنند چه چیزی را انفاق کنند؟ بگو هر چیزی را انفاق می‌کنید به پدر و

مادر، نزدیکان یتیمان، مستمندان و در راه ماندگان اختصاص یابد.

در تفسیر آیه بالا در مجمع البیان آمده است:

بین علماء اختلافی نیست که اگر چنانچه پدر و مادر انسان فقیر باشند، نفقه آنان بر او

واجب است (مجمع البیان ج ۲ ص ۴۸).

و- دعا کردن

از جمله شیوه‌های احسان به پدر و مادر، دعا کردن برای آنان است. دعا یعنی

گفتگوی با خدا، در این گفتگو فرزندان با یادآوری زحمات، رنج‌ها و حقوق والدین از

خدا برای آنها رحمت می‌طلبند و برای آنان طلب بخشش می‌کنند.

در اینجا به نمونه‌هایی از آیات قرآن که در این زمینه آمده است اشاره می‌شود:

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهیم/۴۱).

پروردگارا، روزی که حساب بر پا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مومنان ببخشای.

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (نمل/۱۹).

[سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت: «پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگذارم، و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی پردازم، و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته ات داخل کن.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مَوْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (نوح/۲۸).

پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مومنی که در سرایم درآید، و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای، و جز بر هلاکت ستمگران میفزای.»

۳- شکرگزاری

در لغت شکر به معنی سپاس داشتن و ثنای نیکو گفتن خدای و به جای آوردن آنچه را که خدای (از اطاعت و ترک معصیت) واجب گردانیده است، و نیز ثنا گفتن منعم به سبب حصول نعمت از او، و همچنین توصیف شیء به نیکی آمده است (دهخدا ۱۳۷۳).

در قرآن هم ردیف شکرگزاری از خداوند، به شکرگزاری پدر و مادر نیز سفارش شده است:

چنانکه در سوره ی (احقاف/۱۵) اشاره شد، بعد از شکرگزاری خداوند به شکرگزاری از پدر و مادر امر شده است و در همین آیه به حکمت شکرگزاری از مادر

اشاره رفته است، بلی مادر انسان او را به سختی در دوران بارداری حمل می‌کرد و نیز در دوران دو ساله شیرخوارگی، سختی‌های فرزند را به جان خرید.

شکر والدین شکر خداست، چون منتهی به سفارش و امر خدای تعالی است. پس شکر پدر و مادر عبادت خدا و شکر اوست، قرآن در آیه ۱۵ سوره لقمان از فرزندان خواسته است با پدر و مادر خود به طور پسندیده و متعارف مصاحبت کنند:

... و صاحبهما فی الدنيا معروفاً ...

بر انسان واجب است که در امور دنیوی و نه در احکام شرعی، با پدر و مادر خود به طور پسندیده و متعارف مصاحبت و همراهی کند نه به طور ناشایست، و رعایت حال آن دو را نموده، با رفق و نرمی رفتار نماید، جفا و خشونت در حقشان روا ندارد، سختی‌هایی که از ناحیه آن دو می‌بیند تحمل کند، از آنجا که دنیا چند روزی گذراست، محرومیت‌هایی که از ناحیه آن دو می‌بیند قابل تحمل است، بر خلاف دین که نباید به خاطر پدر و مادر از آن چشم پوشید چون راه سعادت ابدی است، پس در این امور اگر پدر و مادر از کسانی باشند که به خدا رجوع دارند، باید راه آن دو را پیروی کند و گرنه راه غیر آن دو را که با خدا انابه دارند (طباطبائی، محمدحسین (بی تا)).

در روایات اسلامی نیز اهمیت سپاسگزاری از والدین گوشزد شده است:

از جمله در فقه الرضا(ع) آمده است:

علیک بطاعه الآب و برّه و التّواضع و الخُضوع و الاعظام و الاکرام له ...الی أن قال: و قد قرن الله عزّوجلّ حقّهما بحقّه فقال الله: أشکرلی و لوالدیک الی المصیر (مستدرک الوسایل

ج ۱۵ ص ۱۷۶).

بر تو باد که مطیع پدرت باشی و به او نیکی کنی و در مقابلش متواضع و افتاده باشی،

او را بزرگ داری، و نیز اکرامش کنی. می بینی که خداوند حق خود را با حق پدر و مادر قرین ساخته و فرموده است: شکر مرا به جای آورید و نیز شکر پدر و مادرت را؛ چه بازگشت شما به سوی من است.

بحث

همانگونه که شکرگزاری از خداوند به خاطر نعمت های او بر بندگان واجب است، شکرگزاری از پدر و مادر به خاطر انعام به فرزندان نیز واجب است، زیرا که فرزندان همه هستی خود را مدیون والدین می باشند.

شکرگزاری و سپاسگزاری در دو مرحله زبانی و عملی است، از مرحله زبانی فرزندان همواره از پدر و مادر به خاطر بذل توجهات آنان در طول زندگی تشکر می کنند، در مرحله عملی نیز اطاعت از دستورات پدر و مادر جز در مواردی که به طور استثناء به امور غیر شرعی امر نمایند، واجب است.

جمع بندی

سالمند در منظر قرآن و روایات اسلامی از سه جنبه قابل مطالعه و توجه است:

۱- سالمند از نگاه عموم مردم

۲- سالمند از نگاه حکومت

۳- سالمند از نگاه نقش والدینی آنان

بالاترین جنبه حمایتی که در آیات و احادیث مشاهده می شود، سالمند از نگاه نقش

والدینی آنان است.

سالمند از نگاه عموم مردم

در قرآن و احادیث، مهم ترین ویژگی سنین سالمندی ضعف و سستی شمرده شده

است و اینکه قوای بدنی و به تبع آن روانی سالمند رو به ضعف می رود تا جایی که نسیان و

فراموشی، فرد سالمند را فرا می گیرد و به دنبال چنین تحول جسمانی روانی است که

سالمند دارای حقوق ویژه‌ای می‌شود که لازم است به آن توجه شود.

یکی از حقوق سالمندی توقیر کردن او به خاطر سن اوست. توقیر که در ترجمه‌های معمول بعنوان بزرگداشت بکار رفته؛ معنای گسترده تری دارد. توقیر از ریشه وقر به معنای سنگینی؛ سنگینی گوش و... است. از همین لغت کلمه وقار مشتق شده که به معنای طمأنینه و حرکت همراه با یک نوع سنگینی است. به این معنا، توقیر سالمند یعنی با سنگینی و با حرکت آرام با سالمند رفتار نمودن. به عبارت دیگر سنین سالمندی که همراه با ضعف جسمانی و روانی است بر سرعت، حرکت، فعالیت و سرعت صحبت کردن سالمند اثر می‌گذارد، لذا بر دیگران واجب است که این محدودیت و کندی را در نظر داشته و سالمند را با تعجیل و شتاب فرا نخوانند و براساس این اصل لازم است:

سالمند را با ویژگی ضعف سالمندی اش مد نظر قرار دهند.

در برخورد با سالمند خود را هم نیرو و در حد توان او قلمداد کرده و از سرعت حرکتی؛ رفتاری (کلامی و غیر کلامی) خود بکاهند.

او را به خاطر ضعف و سستی طبیعی‌اش مورد سرزنش، تحقیر و عیب‌جویی قرار ندهند. به دلیل ضعف جسمانی حمایت عاطفی، اجتماعی و روانی از او ضروری است.

از جمله حقوق دیگر سالمند از نگاه عموم مردم که در احادیث ذکر شده، اجلال سالمند یا بزرگ شمردن او در ظاهر است. بزرگی به خاطر طول عمر و تجربه اش در زندگی و به خصوص تقدم او در آگاهی‌ها و اعتقادات اسلامی قابل احترام و بزرگداشت است. با توجه به چنین حقی است که بایستی موارد زیر را در نظر داشت:

- هنگام بگو و مگو و مجادله با او کوتاه آید.

- در هنگام راه رفتن از او پیشی نگیرد.

- به او نسبت نادانی ندهد هر چند او چنین رفتار کند .

حق دیگری که براساس حدیث امام سجاد (ع) می توان برای سالمند لحاظ نمود، حق اکرام سالمند است . با توجه به معانی لغوی اکرام می توان نتیجه گرفت وقتی گفته می شود سالمند را اکرام نمایید، یعنی او را نه تنها در ظاهر بزرگ شمارید بلکه او را عزیز و گرمی دارید، با سهولت و احترام او را حمایت نمائید، حریم او را حفظ کنید و آنچه مربوط به او و حقوق او شمرده می شود، مورد تجاوز قرار ندهید.

سالمندی و وظیفه حاکمان

حاکمان نیز در برابر سالمندان وظایفی دارند که بر آنان لازم است تا به آن توجه نموده و در انجام آن کوتاهی ننمایند. از جمله حقوق سالمند بر حاکم آن است که او را مورد حمایت اجتماعی، معنوی و مادی قرار دهد. چرا که سالمند تا جوان بوده جامعه و حکومت از او بهره برداری کرده اند و حال که رو به ضعف و سستی نهاده بر حاکم و جامعه لازم است برای جبران تلاش هائی که در جوانی انجام داده اقدام نمایند.

لذا می توان نتیجه گرفت نیازهای روزمره سالمند از قبیل ایجاد مراکز خدمت رسانی سالمندان برای حضور مراقبین از سالمند در سنین ناتوانی و نیز جهت منزوی نبودن آنان لازم است اقداماتی در خور انجام گردد. حاکمان هر چه خدمات اجتماعی معنوی و مادی به سالمند را گسترش دهند؛ به انجام تعهدی که در سخن امام علی (ع) در زمینه حقوق سالمندان آمده است نزدیکتر شده اند. / و تعهد اهل الیتیم وذوی الرقه فی السن ممن لا حیلہ له و لا ینصب للمساله نفسه و ذلک علی الولاه ثقیل و الحق کله ثقیل و قد یخففه الله علی اقوام طلبوا العاقبة (نهج البلاغه نامه ۵۳ ص ۵۸۲) .

"از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند و دست نیاز

بر نمی‌دارند پیوسته دلجویی کن که این مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است گرچه حق تماماً سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌سازد که آخرت طلبند".

سالمند از نگاه نقش والدینی

پدر و مادر چه سالمند و چه غیر سالمند، دارای حقوقی هستند که بر فرزندان لازم است بر ادای آن همت گمارند، حقوقی که به خاطر پدر و مادر شدن پدید می‌آید، به طوری که در قرآن حق پدر و مادر را به دنبال حق خداوند قرار داده تا اهمیت حق آنان را گوشزد نماید.

در روایات اسلامی نسبت به احسان و پروردگاری والدین توصیه‌های جدی شده است. احسان به پدر و مادر آن است که فرزند به خوبی و با صبر و حوصله با آنان نشست و برخاست نموده، با کسالت و چهره درهم با آنان رو به رانشود و هر چه نیاز داشته باشند بدون آن که وادار شوند که از فرزند تقاضا و درخواست کنند، برای آنان فراهم آورد. هر وقت به دیدن آنها می‌رود دست خالی نرود. در صورتی که به خاطر پیری، ضعف و کم‌حوصلگی، فرزندشان را ناراحت و دل‌تنگ کنند به آنان "اف" نگوید. حتی اگر به شدیدترین صورت با فرزند رفتار کرده و حتی برخورد فیزیکی نمایند، صدای خود را در مقابل آنان بلند ننماید، با سخن کریمانه و گفتار بزرگواریه با آنها گفتگو نماید، برای آنها دعا نماید، نهایت تواضع و فروتنی رانست به آنها رعایت نماید، جز به رحمت و رأفت به آنان نظر میندازد، صدای فرزند بلندتر از صدای آنان نباشد، جلوتر از آنان ننشیند و خود را بر آنان مقدم ننماید.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶).
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۰). ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات زاهد.
۳. ابراهیمی، امراله، نصیری، حمید (۱۳۷۶). بررسی رابطه میزان افسردگی سالمندان مقیم خانه سالمندان با نگرش و عملکردهای دینی آنها. اصفهان، مرکز تحقیقات علوم رفتاری در قلمرو اسلام معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان .
۴. ابو جعفر الكليني (۱۳۸۸ق). الكافي، تصحيح الغفاري علي اكبر، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
۵. ابن شعبه الحراني (۱۳۶۹). تحف العقول من اخبار آل الرسول ترجمه كمرهاي، تهران: انتشارات اسلام.
۶. العاملي محمد بن الحسن (۱۳۷۳). وسائل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعه تحقيق: الرباني الشيرازي عبدالرحيم، تهران: كتابفروشي اسلامي.

۷. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان، بیروت: دارالفکر.
۸. الصدوق ابی جعفر (۱۳۸۱ق). من لایحضره الفقیه، تحقیق الغفاری علی اکبر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. الطبرسی ابو علی الفضل (۱۳۸۵ق). مشکاة الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. الطوسی ابو جعفر (۱۴۰۱ق). تهذیب الاحکام، بیروت: دارالتعارف.
۱۱. بوالهروی، جعفر، نوری قاسم آبادی، ربابه، رمضان فرانی، عباس (۱۳۷۸). آیات قرآنی در زمینه بهداشت روانی. تهران: انستیتور روان پزشکی تهران، مرکز همکاری مشترک سازمان جهانی بهداشت در بهداشت روان.
۱۲. بهرامی، فاضل، رمضان فرانی، عباس (۱۳۸۳). بررسی نقش باورهای مذهبی (درونی و بیرونی) در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان مقیم مراکز بهزیستی و غیرمقیم، تهران: طرح مصوبه پایان یافته معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). نسبت حق و تکلیف در آموزه‌های اسلامی. پاسدار اسلام، شماره ۲۸۵.
۱۴. دهخدا علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عبدالواحد التیمی الامدی (۱۴۰۷ق). غررالحکم و دررالکلم. بیروت: الاعلمی.
۱۷. علی بن موسی الامام الرضا (ع) (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب الی الامام الرضا. مشهد: مشهد:

المؤتمر العالمي للإمام الرضا(ع).

١٨. مجلسي، محمد باقر(١٤٠٣ق). بحار الانوار. بيروت: دار احياء التراث العربي.

١٩. نوري، حسين بن محمد تقى(١٤٠٨ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت:

مؤسسه آل البيت.

20. **Al-sabbagh ،Muhammad Luth; ,(1996).** Islam: Ruling on male and Female circumcision(the right Path to health ،health education through religion). **World Heath organization.**
21. **Khayat ،M.H.(1997).** Health:An Islamic perspective(theright path to health ،health education throughreligion). **World Health organization.**

پیوستها

پیوست شماره یک

أَمَا حَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَاعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا
مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَوَقَّتْكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تَبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تَطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ
تَسْقِيكَ وَ تَعْرِى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلِكَ وَ تَهْجُرُ النَّوْمَ لِاجْلِكَ وَ وَقَّتَكَ الْحَرَ وَ الْبَرْدَ
لِتَكُونَ لَهَا وَ أَنَّكَ لَا تَطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ وَ أَمَا حَقُّ أَبِيكَ فَانْ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلَكَ
فَأَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتُ مِنْ نَفْسِكَ مَا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ
فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَا حَقُّ وَلَدِكَ فَانْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ
مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لِيَتَنَّهُ مِنْ حَسَنِ الْإِدْبِ وَ
الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ الْمَعُونَةُ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مِنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ
عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مَعَاقِبَ عَلَى الْإِسَاءَةِ (وسايل الشيعة ج ١٥ ص ١٧٥).

پیوست شماره دو

علیک بطاعه الاب و برّه و التّواضع و الخُضوع و الاعظام و الاکرام له و خفض الصّوت بحضرتّه فانّ الاب أصل الابن و الابن فرعُه لولاه لم یکن بقدره الله ابدلوا لهم الاموال و الجاه و النّفس و قد أروى انت و مالک لابیک فجعلت له النفس و المال تابعوهم فی الدّنیا أحسن المتابعه بالبرّ و بعد الموت بالدّعاء لهم و الرّحم علیهم فانه روى ان من برّ اباه فی حیاته و لم یدع له بعد وفاته سماه الله عاقا و معلّم الخیر و الدّین یقوم مقام الاب و یجب مثل الذّی یجب له فاعرفوا حقّه و اعلم أنّ حقّ الأمّ الزم الحقوق و اوجیها لانّها حملت حیث لا یحمل احد احدا و وقت بالسمع و البصر و جمیع الجوارح مسروره مستبشره بذلک فحملتّه بما فیهِ من المکروه و الذّی لا یصبر علیه احد و رضیت بان تجوع و یشبع ولدها و نظماً و یروی و تعری و یکتسی و یظلّ و تضحی فلیکن الشّکر لها و البرّ و الرّفق بها قدر ذلک و إن کنتم لا تطیقون بادنی حقّها الّا بعون الله و قد قرن الله عزوجل حقها بحقه فقال أشکرلی و لوالدیک الیّ المصیر و روى ان کل اعمال البرّ یربّح العبد الذّروه منها الا ثلاثه حقوق حقّ رسول الله و حقّ الوالدین فاسأل الله العون علی ذلک (الفقه المنسوب الی الامام الرضا ص ۳۳۴).

پیوست شماره سه

مَصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ، قَالَ الصَّادِقُ (ع) بَرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ
 أَسْرَعُ بُلُوغًا بِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَى اللَّهِ مِنْ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَنَّ حَقَّ الْوَالِدَيْنِ
 مُشْتَقٌّ مِنْ حَقِّ اللَّهِ إِذَا كَانَا عَلَى مِنْهَاجِ الدِّينِ وَالسُّنَنِهِ وَلَا يَكُونَانِ يَمْنَعَانِ الْوَالِدَ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ
 إِلَى مَعْصِيَتِهِ وَمِنْ الْيَقِينِ إِلَى الشَّكِّ وَمَنْ الزُّهْدِ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا يَدْعُوَانِهِ إِلَى خِلَافِ ذَلِكَ فَإِذَا
 كَانَا كَذَلِكَ فَمَعْصِيَتُهُمَا طَاعَةٌ وَطَاعَتُهُمَا مَعْصِيَةٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ
 بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ
 ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ وَأَمَّا فِي الْعِشْرَةِ فَدَارِهِمَا وَارْفُقْ بِهِمَا وَاحْتَمِلْ أَذَاهُمَا بِحَقِّ مَا احْتَمَلَا عَنْكَ
 فِي حَالِ صِغَرِكَ وَلَا تُضَيِّقْ عَلَيْهِمَا فِيمَا قَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَلْبُوسِ وَلَا
 تَحْوَلْ وَجْهَكَ عَنْهُمَا وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِهِمَا فَإِنَّهُ مِنَ التَّعْظِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ وَقُلْ لَهُمَا
 أَحْسَنَ الْقَوْلِ وَالطُّفَّ بِهِمَا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (الفقه المنسوب إلى الامام
 الرضا ص ۳۳۵).

Introduction to
Elderly Mental Health
in the view of Quran and Hadith

